

بررسی تروریسم (تروریسم هسته‌ای) و مصوبات سازمان ملل متحد و

آژانس انرژی اتمی

قبل و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در ارتباط با تروریسم

اعظم ایلزکی

چکیده

تروریسم یا رژیم وحشت پدیده جدید و تازه‌ای نیست. در طول تاریخ وجود داشته است. عملیات تروریستی در ابتدا به صورت ترور شخصیت‌های مهم، هواپیما ربایی، آدم‌ربایی بود، اما با پیشرفت تکنولوژی و امکان کنترل مواد منفجره از راه دور عملیات تروریستی به لحاظ شکلی و مفهومی دچار تغییر و تحول شد در دهه‌های اخیر تروریست‌ها به سمت استفاده از سلاح‌های میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای روی آورده و همین امر موجب انجام ترور و عملیات تروریستی در سطح گسترده و مرگ هزاران غیرنظامی می‌شود و این امر در حالی است که طعمه تروریست‌ها و مکان انجام عملیات آن‌ها غیرقابل پیش‌بینی و نامشخص است. هدف این مقاله بررسی تروریسم، اشکال تروریسم (به ویژه تروریسم هسته‌ای) و هم‌چنین بررسی قطعنامه‌ها و مصوبات سازمان ملل

متحد (قبل و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر) و نهادهای وابسته آن مانند آژانس انرژی اتمی می‌باشد. سازمان ملل متحد از آغاز تأسیس در زمینه مبارزه با تروریسم قطعنامه‌هایی صادر و معاهداتی را تصویب نموده است، مانند: «موافقت‌نامه قطب جنوب، ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در فضای جو و زیر آب، معاهده استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو از ماه و سایر اجرام سماوی، معاهده بانکوک و اتخاذ تدابیری برای حفاظت فیزیکی از مواد، تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای و معاهده منع گسترش سلاح‌های موسوم به (NPT) درصدد مبارزه با تروریسم برآمد و موفقیت‌هایی نیز کسب نمود، اما به دلیل فقدان تعریف مشخص از واژه تروریسم و این‌که اصولاً کشورها بر اساس منافع سیاسی و ملی خود از تروریسم تعریف ارائه می‌دهند و هم‌چنین سازمان ملل متحد صرفاً در زمینه تقنینی موفقیت‌هایی کسب نموده و در زمینه اجرایی اقدام موفقی انجام نداده است، لذا در زمینه مبارزه با تروریسم بین‌المللی پیشرفتی کسب نشده است. مطالب این مقاله به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژه

تروریسم، تروریسم هسته‌ای، سازمان ملل متحد، آژانس انرژی اتمی، حمله ۱۱ سپتامبر

مقدمه

در آغاز سده بیست و یکم تروریسم داخلی و بین‌المللی از پیچیده‌ترین و دشوارترین مسائلی است که جامعه جهانی با آن مواجه است. در این میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در آن قدرتمندترین کشور جهان آماج حملات تروریستی قرار گرفت. فصل جدیدی را در فرایند مبارزه جهانی علیه تروریسم بین‌المللی گشود. (قربانی، ۱۳۸۸: ۱۷) پس از ۱۱ سپتامبر نگرش کشورها به تروریسم دگرگون و آمادگی جمعی برای توجه به مسئله تروریسم ایجاد شد تا جایی که موضوع تروریسم از کانون توجه چند کشور محدود خارج و به سازمان ملل کشیده شد تا نشان داده شود موضوع مبارزه با تروریسم جز اولویت‌های جامعه بین‌المللی است. در این دوران تروریسم دچار تحولاتی شد که آن را از نوع قدیمی‌تر آن متمایز کرده است. از آن جایی که اعمال تروریستی ماهیت نسبتاً واحد دارند و هدف آن‌ها ایجاد رعب و وحشت برای نیل معین و به ویژه اهداف سیاسی است، بنابراین تروریست‌ها از اشکال گوناگون ترور شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای برای رسیدن به اهداف خود و ایجاد رعب و وحشت گسترده استفاده می‌نمایند. امکان فعالیت‌های تروریستی با استفاده از تجهیزات هسته‌ای نگرانی است که همه دولت‌ها باید در نظر بگیرند. مشکلی که دولت‌ها با آن مواجه هستند این است که برای جلوگیری از چنین حملات هسته‌ای فاجعه‌آمیز از سوی گروه‌های تروریستی چه می‌توان کرد. سازمان ملل متحد با کمک نهادهای وابسته سعی دارد با تصویب معاهدات و صدور قطعنامه‌ها و تأسیس نهادهایی مانند آژانس انرژی اتمی جایگاه خود را در مبارزه با تروریسم تثبیت کند و گاهی در جهت تدوین حقوقی مبارزه با تروریسم بر می‌آید. اگرچه در زمینه‌های نیز موفق عمل کرده است. در این مقاله سعی می‌شود به

این سوال پاسخ داده شود که آیا سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن نقش موثری در مبارزه با تروریسم در سطح بین‌المللی داشته است؟ با دقت در تصمیم‌گیری‌های شورای امنیت به عنوان نهاد تأمین‌کننده تأمین صلح می‌توان به این نکته پی برد که این نهاد گاهی با تصمیم‌گیری‌های خود موجب برهم خوردن امنیت کمک به بی‌نظمی بین‌المللی و گسترش تروریسم می‌شود. بخش اعظم مطالب این مقاله با استناد به کتاب دکتر سهیلا کوشا نوشته شده است و برای تکمیل مطالب از چند کتاب و چندین مقاله استفاده شده است.

مفهوم شناسی

۱. تروریسم:

تروریسم از کلمه ترور مشتق شده است که از ریشه لاتین (ترس) به معنای ترساندن است. (کوشا، ۱۳۸۹: ۸) تاریخ استفاده از کلمه تروریسم به زمان انقلاب فرانسه و اوایل حکومت جمهوری خواهان در زمان ژاکوب (۱۷۹۳-۱۷۹۴) باز می‌گردد. (سروش‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۷) در دایرالمعارف بریتانیکا نیز آمده است: تروریسم یعنی کاربرد سیستماتیک ارعاب یا خشونت غیرقابل پیش‌بینی بر ضد حکومت‌ها و مردم برای دستیابی به یک هدف سیاسی. در فرهنگ حقوقی بهمن آمده است: تهدیدات تروریستی یعنی تهدید به خشونت با هدف ارعاب دیگری و مجبور کردن او به تخلیه ساختمان یا محل اجتماع یا تأسیسات عمومی است که با ایجاد ناراحتی جدی و عمومی و بی‌توجهی به خطرهای این ارعاب و مزاحمت همراه است. در فرهنگ علوم سیاسی نیز عقیده داشتن بر لزوم آدم‌کشی، تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم، برای نیل به هدف‌های سیاسی یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت و یا تفویض آن به گروه دیگری معنا شده است.

واژه‌ی ترور از زبان فرانسه به زبان فارسی راه یافته است و در زبان فرانسه و انگلیس نیز به معنای ترس و وحشت به کار برده می‌شود.

۱-۱ در سطح بین‌المللی اصطلاح تروریسم برای اولین بار در سومین کنفرانس بین‌المللی کردن حقوق جزا در بروکسل (۱۹۳۰) به کار رفت. (کوشا، ۱۳۸۹: ۹) به طور کلی تا به حال تعریف جامع و کلی از تروریسم ارائه نشده است. برای این‌که بارزترین اختلاف در تعریف تروریسم در خصوص تفکیک تروریسم از مبارزات جنبش‌های آزادی‌بخش است که بر اساس (حق تعیین سرنوشت ملت‌ها) طبق منشور ملل متحد مشروع است. از طرفی تروریسم یک جرم سیاسی است. بنابراین هر دولتی با توجه به اهداف و سیاست‌های خودش، برداشت متفاوتی از آن دارد. در این جا به برخی از تعاریف ارائه شده اشاره می‌کنیم:

۱-۲ الگوی نظام‌یافته‌ای از رفتار خشونت‌آمیز که به نوعی طراحی شده است تا جمعیتی تهدید شوند و به این ترتیب سیاست‌های دولت خاصی تحت تأثیر قرار گیرد.

۱-۳ تعریف تروریسم از دیدگاه ایالات متحده آمریکا: تعریف پلیس فدرال آمریکا (FBI) از تروریسم در بخش ۲۳۳۱ از فصل ۱۱ (۳B)، تروریسم چنین تعریف شده است: فعالیت‌هایی که خشونت‌بار باشد یا اعمالی که به خطر بیندازد... که نقض حقوق جزای ایالات متحده یا هر ایالت است که به یکی از مقاصد زیر ارتکاب یافته باشد:

۱. در ترساندن یا ناگزیر کردن عموم شهروندان
۲. تحت تأثیر قرار دادن دولت با ارباب و تهدید

۳. تحت تأثیر قرار دادن رفتار دولت به وسیله تخریب بسیار، قتل، آدم ربایی و... عمدتاً در داخل قلمرو سرزمینی ایالات متحده اتفاق بیفتد. (باقری، ۱۳۸۸: ۲۶)

۱-۴ تعریف وزارت دفاع آمریکا از تروریسم

طرح‌ریزی استفاده از خشونت‌های غیرقانونی یا تهدید به ایجاد خشونت نامشروع به منظور ایجاد واهمه با هدف ترساندن و ناگزیر کردن دولت یا جامعه در پیگیری مقاصدی که به طور کلی سیاسی یا مذهبی یا ایدئولوژیک است. (باقری، ۱۳۸۸: ۲۶)

۱-۵ تعریف و تفکیک تروریسم از نهضت‌های آزادی بخش

در پنجاه و ششمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص تعریف تروریسم و تفکیک بین حرکت‌های آزادی‌بخش ملی علیه اشغالگری، نماینده قطر نگرانی خود را از عدم تعریف حرکت‌های آزادی‌بخش با تروریسم این گونه اعلام کرد (ایستادگی در برابر اشغال خارجی حق مشروع حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است که باید پیگیری و دنبال شود فقدان تعریف رسمی از تروریسم، تلاش‌های بین‌المللی را برای جلوگیری از تهدیدات نوع بشر تحلیل می‌برد. نخستین گام در مسیر مبارزه واقعی تروریسم تهیه معیارهایی برای تعریف بین‌المللی عام و دائمی از این پدیده است که در راستای قطعنامه ۱۵۹/۴۲ مجمع عمومی سازمان ملل صادره در هفتم دسامبر ۱۹۸۷ قرار دارد. پیشرفت مبارزه با تروریسم در گرو آن است که هرگونه تعارض میان اقدام حقوقی و مسئله سیاسی برطرف شود گرچه حصول این امر دشوار می‌نماید، اما به هیچ وجه ممکن نیست. (قربانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

۱-۶ تعریف کنوانسیون پیشگیری و سرکوب تروریسم مصوب ۱۹۳۷

کنوانسیون پیشگیری و سرکوب تروریسم مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷ درباره تروریسم ارائه داده است، بیان می‌دارد که تروریسم عبارت است از اقدامات جنایی که به وسیله افراد یا به کارگیری روش‌های وحشت‌زا علیه دولت مورد نظر یا شخصیت خاص یا عموم مردم سازماندهی شده است. (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۰) این کنوانسیون به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم لازم‌الاجرا نگردید و بنابراین مفهوم واقعی تروریسم عملاً کشف نشد.

۱-۷ تروریسم و مصوبات سازمان ملل متحد دربردارنده واژه تروریسم

از میان عهدنامه‌های مصوب سازمان ملل متحد اصطلاح تروریسم یا تروریست فقط در عنوان دو معاهده ذکر شده است که عبارتند از (کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریستی انفجاری مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷) و (کنوانسیون بین‌المللی راجع به منع حمایت مالی از تروریسم مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۹) هم‌چنین عبارت تروریسم در متن دو کنوانسیون دیگر یعنی (کنوانسیون بین‌المللی برای مقابله با گروهان‌گیری مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹) و (کنوانسیون جلوگیری از اعمال نامشروع بر ضد امنیت کشتیرانی دریایی مصوب ۱۰ مارس ۱۹۹۸) مشاهده می‌شود. اقدام لازم برای نابودی تروریسم بین‌المللی در ۳ ژوئیه ۲۰۰۱ آخرین سند بین‌المللی در این باره کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای مصوب ۱۳ آوریل ۲۰۰۵ است. پیش نویس عهدنامه عمومی راجع به تروریسم بین‌المللی ابتدا به وسیله دولت هند در پنجاه و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه گردید. یک گروه کاری نیز بر این اساس تشکیل شد که نتیجه فعالیتش را به کمیسیون ششم مجمع عمومی ارائه می‌دهد. ماده ۱۲ این پیش‌نویس نیز تعریفی درباره تروریسم پیشنهاد کرده است که هنوز در مورد آن توافقی حاصل نشده است. (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۱)

۸-۱ تعریف شورای امنیت از تروریسم

شورای امنیت در اکتبر ۲۰۰۴ با صدور قطعنامه ۱۱۵۶۶ از تروریسم یک تعریف عمومی ارائه نمود. این قطعنامه اقدامات زیر را به هیچ وجه توجیه پذیر نمی‌داند. اقدامات جنایی علیه شهروندان که به منظور قتل یا وارد آوردن صدمه یا آسیب بدنی باشد و گروهان‌گیری به منظور تحریک یک دولت یا ترور اماکن عمومی یا ترور گروهی از اشخاص، ارباب جمعیت یا فشار بر یک حکومت یا یک سازمان بین‌المللی برای فعل یا ترک فعل معین. لازم به ذکر است این قطعنامه به پیشنهاد روسیه برای محکوم کردن مبارزان تصویب شد. (علیزاده، باباپور، فرشباف، ۱۳۹۲: ۴)

۹-۱ تعریف حقوقی از تروریسم

به دلیل اختلاف نظر سیاسی و پیچیده بودن پدیده تروریسم و این امر که آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری مبارز راه آزادی است (عالی پور، ۱۳۸۵: ۵۸۴) تا به حال اجماعی در خصوص تعریف تروریسم حاصل نشده است. در واقع دخالت انگیزه‌های سیاسی رسیدن به توافقی عام و بین‌المللی پیرامون یک تعریف عمومی از تروریسم را غیرممکن ساخته است. به همین دلیل اصطلاح تروریسم معنای حقوقی مشخصی ندارد، ولی به طور کلی می‌توان آن را شامل جرائم ذیل دانست:

۱. جرائمی که دولت‌ها بر ضد دیپلمات‌ها مرتکب می‌شوند.
۲. جرم گروهان‌گیری به وسیله دولت‌ها
۳. جرائمی که دولت‌ها بر ضد اشخاص تحت حمایت خودشان (مانند غیرنظامیان در زمان جنگ) مرتکب می‌شوند.

۴. جرم‌هایی که در اثر اجازه دولت به گروه‌های غیردولتی برای استفاده از قلمرو آن‌ها و توسل به اقدام نظامی بر ضد سایر دولت‌ها رخ داده‌اند. اگرچه این اقدام‌ها به وضوح می‌تواند شامل هدف گرفتن آماج‌های ممنوع (نظیر شهروندان غیرنظامی) یا شیوه‌های ممنوع اعمال زور نیز گردد.

۵. جرائمی که دولت‌ها یا اشخاصی که در خدمت دولت هستند بر ضد هواپیماها و کشتی‌های غیرنظامی در زمان جنگ مرتکب می‌شوند اغماض یا کوتاهی از چنین اقداماتی به وسیله عوامل غیردولتی که باعث مسئولیت غیرمستقیم دولت‌ها می‌شود.

با توجه به این‌که امروزه تروریسم از مرز کشورها فراتر رفته و چهره بین‌المللی پیدا کرده است. بنابراین حقوق بین‌الملل نیز با جدیت بیشتری به مسئله تروریسم پرداخته است ولیکن برای این‌که یک عمل تروریستی جرمی بین‌المللی تلقی شود و در حوزه حقوق بین‌الملل قرار گیرد، می‌بایست این عملیات علیه افرادی باشد که تحت حمایت کنوانسیون چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل الحاقی آن مصوب (۱۹۷۷) بوده و یا این‌که از مصادیق جرائم علیه بشریت یا جرائم جنگی باشد که طبق منشور سازمان ملل ممنوع شده‌اند، ولی جرائم بر علیه هواپیماها طبق کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو، (پطروس غالی، سیدقاسم زمانی، ۱۳۸۹) کنوانسیون ۱۹۷۱ لاهه، کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال، کنوانسیون ۱۹۸۴ با شرایط مندرج در آن‌ها گاه تحت صلاحیت کیفری دولت‌ها قرار می‌گیرند و به صلاحیت جهانی تبدیل نمی‌شوند در نتیجه چون تعداد کمی از فعالیت‌های تروریستی از مصادیق جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت بوده و در قلمرو کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی آن قرار می‌گیرند اکثر جرائم تروریستی در صلاحیت ملی دولت‌ها قرار گرفته و جرم بین‌المللی

تلقی نمی‌گردند. از آن‌جا که دیوان بین‌المللی خاصی برای محاکمه مجرمین تروریسم بین‌المللی وجود ندارد، بنابراین حقوق‌دانان صلاحیت جهانی را به جای دادگاه جهانی در مبارزه با تروریسم پیشنهاد کرده‌اند به این معنی که اصل بر صلاحیت محاکم داخلی کشورها، برای تعقیب و مجازات مجرمین تروریسم بین‌المللی است، این امر شبیه به دزدی دریایی است که در کنوانسیون ۱۹۵۸ حقوق دریاها بیان شده است و هر کشوری می‌تواند دزدان دریایی را دستگیر و محاکمه کند. هم‌چنین در خصوص هواپیما ربایی که یکی از مصادیق بارز تروریسم است در کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه صراحتاً اشاره شده است که هریک از دولت‌های متعهد اگر متهم به هواپیما ربایی در قلمرو خود یافت باید محاکمه کند یا استرداد کند یا اگر قرارداد استرداد با دولت متبوع متهم دارد او را مسترد کند تا محاکمه شود. (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۳)

۲. مراحل تحول تروریسم

در خصوص مراحل تحول تروریسم می‌توان ۵ دوره را در نظر گرفت.

۱-۲ دوره اول: دهه ۱۸۸۰ که حاصل اصلاحات گسترده سیاسی و اقتصادی به وسیله تزار الکساندر دوم در روسیه بود که نتیجه آن ترور مقامات رسمی روسیه بود، در این مرحله دینامیت که تازه اختراع شده بود به سرعت مورد استفاده تروریست‌ها قرار گرفت. از ویژگی بارز این دوران ترور شخصیت‌های مهم بود که با شروع جنگ جهانی اول پایان یافت.

۲-۲ دوره دوم: موج دوم تروریسم از جنگ جهانی اول تا دهه ۱۹۶۰ بود. (حق تعیین سرنوشت) ناشی از معاهده صلح ورسای که پایان بخش جنگ جهانی اول بود و مبارزه علیه استعمار باعث ایجاد این موج شد. واژه تروریسم در این زمان چندان به کار نمی‌رفت در عوض واژگانی چون، شورشی و مبارزان آزادی‌خواه کاربرد بیشتری داشتند.

۲-۳ دوره سوم: جنگ ویتنام موج سوم ترور را ایجاد کرد. در این دوره روش‌های ویت کنگی علیه ایالات متحده رواج یافت. گروه‌های متعددی در آلمان، ایتالیا، فرانسه خود را حامی آن‌ها معرفی کردند. آدم‌ربایی از روش‌های مرسوم این دوره بود به طوری که بیش از هزار مورد هواپیماربایی در دهه ۱۹۷۰ گزارش شده است.

۲-۴ دوره چهارم: عده‌ای این دوره را همراه با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکست شوروی در افغانستان می‌دانند که نتیجه آن رواج ترور مبنی بر عقیده و مذهب بود اگرچه توجیحات مذهبی در دوره‌های قبلی نیز به چشم می‌خورد. ۲-۵ دوره پنجم: موج دیگری که می‌توان نقطه عطفی در مبارزه با تروریسم دانست، با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر شروع شد که باعث شد به طور کلی موضع‌گیری شورای امنیت در برخورد با تروریسم تغییر کند. (بر اساس نظر نوام چامسکی جهان جنگ را کنار نگذاشته است، بالعکس امروزه قدرت‌های برتر جهان به عنوان دکترین دفاع پیشگیرانه و با مرزهای نامحدود حق راه‌اندازی خودسرانه جنگ را به خود اعطا کرده است.) (نوام چامسکی، نعمتی وروجنی، ۱۳۸۷: ۱۹) بنابراین تروریسم را که تا به حال یک جرم سیاسی تلقی می‌شد و غیر قابل استرداد بود از مصادیق جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی تلقی گردد. از مصادیق تروریسم مدرن در این دوران رواج تروریسم هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و تروریسم رایانه‌ای یا سایبر تروریسم است. به عبارتی تروریست‌ها در این دوران با روی آوردن به سلاح‌های هسته‌ای WMD، صلح و امنیت بین‌المللی، اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، اصل وارد نیابردن درد و رنج بیهوده، اصل تناسب و اصل لزوم حفاظت از محیط زیست مذکور در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را نیز مخدوش نموده‌اند. (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴)

۳. علل گسترش تروریسم مدرن

عوامل متعددی در گسترش تروریسم مدرن بین‌المللی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها به قرار ذیل هستند:

۱. رواج استعمار، سلطه‌جویی، اشغال بیگانه و آپارتاید که ناقض (حق تعیین سرنوشت ملت‌ها) هستند.

۲. پدید آمدن کشورهای جدید در جهان معاصر و در نتیجه بروز مشکلات جدید.

۳. پیشرفت تکنولوژی که موجب تسهیل عملیات تروریستی می‌شود: مثل جنگ‌افزارهای خودکار که با کنترل از راه دور کار می‌کند.

۴. فقر اقتصادی، فرهنگی و ناتوانی دولت‌ها در حل مشکلات داخلی خودشان.

۵. تروریست‌ها با موفقیت خود را با روند جهانی شدن و فناوری جدید وفق داده‌اند، ولی مبارزات ضد تروریستی دولت‌ها هنوز در سطح ملی باقی مانده است. از طرفی هنوز وفاق جهانی برای مبارزه با تروریسم ایجاد نشده است.

(کوشا، ۱۳۸۹: ۱۸)

۴. انواع تروریسم مدرن

از مصادیق تروریسم مدرن می‌توان به تروریسم شیمیایی، میکروبی، رایانه‌ای (سایبر تروریسم) تروریسم هسته‌ای را نام برد. گروه‌های تروریستی با توجه به توان فنی و مالی خود در ارتباط با تولید، ساخت، نگهداری و به کارگیری سلاح مورد نظرشان، به تروریسم شیمیایی، میکروبی، رایانه‌ای و تروریسم هسته‌ای روی می‌آورند.

۴-۱ تروریسم شیمیایی (Chemical Terrorism):

یعنی به کار بردن مواد شیمیایی به همراه موشک و جنگ‌افزارها علیه هدف معلوم، با ایجاد رعب و وحشت در مخاطبان است. این مواد شیمیایی می‌توانند به صورت گاز، مایع (Aerosol) یا مواد فشرده استفاده شوند. سلاح‌های شیمیایی اول بار در دهه اخیر مورد استفاده قرار گرفت، ولی سابقه تولید بهره‌برداری از این سلاح‌ها به دهه‌های قبل باز می‌گردد. طبق مقررات حقوق بین‌الملل و مقررات حقوق جنگ، کاربرد سلاح‌های شیمیایی به دلیل نقض (اصل تفکیک و اصل وارد آوردن یا نیاوردن درد و رنج بیهوده) از اوایل قرن بیستم ممنوع شده است. علل جذابیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی به وسیله تروریست‌ها به دلیل ارزانی تولید آنها، سادگی کاربرد آنها و دشواری ردیابی آنهاست؛ چون بی‌رنگ و بی‌بو هستند کاربرد آنها وحشت زیادی در افکار عمومی ایجاد می‌کند و این‌که کاربرد این مواد شیمیایی در عملیات تروریستی می‌تواند هزاران نفر را نابود کند. (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۰)

۴-۲ تروریسم میکروبی

یعنی به کاربرد انواع میکروب‌ها و باکتری‌های بیماری‌زا در عملیات تروریستی برای ایجاد رعب و وحشت در مخاطبان کشور هدف‌گیری شده، برای رسیدن به اهداف و مقاصد تروریستی خودشان. تولید و ساخت سلاح‌های میکروبی به نسبت سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای راحت‌تر است، ولی به مراتب خطرناک‌تر از سلاح‌های شیمیایی هستند، چون در یک حمله تروریستی با یک سلاح میکروبی امکان دارد صدها هزار نفر کشته شوند و از طرف دیگر ذخیره‌سازی و به کارگیری آنها از گازهای عصبی تابون و سارین و

خردل به مراتب دشوارتر است. به علت این که احتمال سرایت این مواد به افرادی که آن‌ها را در اختیار دارند بسیار زیاد است. به طور کلی احتمال استفاده تروریست‌ها از سلاح‌های میکروبی و هسته‌ای بسیار کمتر از سلاح‌های شیمیایی است.

۳-۴ تروریسم رایانه‌ای (Syber Terrorism) یا سایبر تروریسم

دنیای امروز، دنیای رسانه‌ها و رایانه‌هاست. ملت‌ها و ساختارهای حیاتی آن‌ها هر روز بیش از پیش، به شبکه‌های رایانه‌ای وابسته می‌شوند و هیچ جامعه یا گروهی نمی‌تواند بدون دسترسی به رایانه‌ها، همپای جوامع دیگر پیشرفت کند. مردم حتی در زندگی روزمره خود با استفاده از رسانه‌ها و رایانه‌ها، نیازهای حیاتی - زیستی خود را برآورده می‌کنند، با همدیگر اطلاعات رد و بدل می‌کنند، منفعت کسب می‌کنند، تجارت می‌کنند و ... اما همان قدر که رایانه‌ها در رفاه و کاهش رنج مردم در زندگی‌شان، مثبت و کارگر هستند، همان قدر هم زمینه‌ای برای اقدامات تروریستی ویرانگر هستند که به آن «تروریسم مجازی» می‌گویند. تروریست‌ها با استفاده از رایانه‌ها می‌توانند در بین مردم ترس و وحشت ایجاد کرده و با از کار انداختن امکانات فنی، رایانه‌ها را که زندگی اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی و سیاسی مردم وابسته به آن است، در مقیاس وسیعی بر آن‌ها زیان رسانده و در سطح گسترده‌ای، جنگ رسانه‌ای و کشت و کشتار راه بیندازند. از این طریق و نیز از طریق تهدید به حمله بیشتر، از طرف‌های مقابل خود امتیاز بگیرند. به هر حال امروز دنیای رایانه که در ارتباط با زندگی مردم است دنیایی است که هر لحظه مورد تهدید تروریست‌هاست و این نگرانی و احتمال وقوع این اتفاق، روز به روز هر چه بیشتر مردم جوامع را دچار ترس و وحشت می‌کند. (فیرحی، ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

از تروریسم رایانه‌ای تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است: تروریسم سایبری به معنای حمله یا تهدید به حمله به رایانه‌ها، شبکه‌های اینترنتی و اطلاعات ذخیره شده در آن‌ها به منظور ترساندن یا مجبور کردن دولت‌ها یا اتباع آن‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای پیشبرد اطلاعات سیاسی و اجتماعی است. (سازمند، یزدی، ۱۳۹۳: ۳۶۴) سایر تروریسم می‌تواند ملی، بین‌المللی، دولتی یا سیاسی باشد. از مصادیق سایبر مصادیق سایبر تروریسم می‌توان به جنگ رایانه‌ای (Cyber War) جنگ شبکه‌ای (Net War) یا جنگ اطلاعاتی (Information War) را نام برد. جنگ رایانه‌ای یعنی رویارویی نظامی که دارای جهت‌گیری یا هدف اطلاعاتی است. جنگ شبکه‌ای یعنی توجه به اهداف اجتماعی در رویایی نظامی که به وسیله نیروهای غیردولتی، شبه نظامی و نامنظم صورت می‌گیرد. این دو صرفاً ناظر به فناوری نیستند بلکه آینده‌ای از خلاقیت‌های سازمانی، ابداعات و ابتکارات راهبردی، تاکتیکی و تکنولوژیکی هستند که برای حمله یا دفاع استفاده می‌شوند. جنگ اطلاعاتی یعنی غلبه اطلاعاتی در جبهه جنگ است که از طریق انجام حملات عمدی و سیستماتیک بر ضد فعالیت‌های اطلاعاتی حیاتی دشمن صورت می‌گیرد. هدف از جنگ اطلاعاتی بهره‌برداری، تغییر، تحریف و تخریب اطلاعات یا جلوگیری از ارائه خدمات است. علت روی آوردن گروه‌های تروریستی به تروریسم رایانه‌ای این است که رایانه باعث:

۱. آسان‌تر شدن عملیات آن‌ها
۲. افزایش توان بالقوه آن‌ها
۳. هرچه گمنام‌تر ماندن و در نهایت سخت‌تر ردیابی شدن آن‌ها می‌شود.
۴. مقابله با آن‌ها دشوارتر می‌گردد.
۵. تسهیل در تبلیغات آن‌ها برابر عضوگیری، ارتباطات و هماهنگی بین افراد و گروه جمع‌آوری اطلاعات و جذب منابع مالی

۶. از بین رفتن فاصله‌های فیزیکی و مرزهای ملی که زمانی گروه‌های تروریستی را در انزوا فرو می‌برد.

۷. باعث تهدید سیستم رایانه‌ای تأسیسات آب و برق، سیستم‌های حمل و نقل، نهادهای تجاری، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، افراد و سایر گروه‌های سیاسی، قومی و نژادی، نیروهای امنیتی و دولت‌ها می‌شود. (کوشا، ۱۳۸۹: ۲۳)

۴-۴ ترور هسته‌ای (Nuclear Terrorism)

تروریسم هسته‌ای یکی از اشکال جرائم سازمان یافته و کشتار دسته جمعی است. حقوق‌دانان تعاریف متعددی از تروریسم هسته‌ای ارائه داده‌اند. بنابر یک تعریف تروریسم هسته‌ای عبارت است از استعمال پرتوزا یا مواد انفجاری هسته‌ای یا تهدید به استفاده از آن توسط افراد یا گروه‌های خارج از کنترل دولت، به منظور ایجاد رعب و وحشت و انجام اقدامات تروریستی یا تهدید به انجام آن علیه تأسیسات هسته‌ای. (غنی کله لو، ۱۳۸۹: ۲۱)

۵. شیوه‌های توسل به تروریسم هسته‌ای

به طور کلی تا به حال چهار شیوه برای توسل به تروریسم هسته‌ای شناسایی شده است که عبارتند از:

۱. دستیابی به یک سلاح هسته‌ای بی‌عیب و نقص از زرادخانه‌های کشورهای

هسته‌ای جهان (Contril of an intact nuclear weapon)

۲. کسب مواد رادیواکتیو و سرهم بندی کردن یک سلاح هسته‌ای (IND)

(Detonation of Improvised Nuclear Device)

۳. خرابکاری یا حمله به یک نیروگاه هسته‌ای

۴. انفجار یک بمب کثیف یا به کارگیری وسایل و دستگاه‌های پخش‌کننده مواد رادیواکتیو.

۵-۱ دستیابی به یک سلاح‌های هسته‌ای بی عیب و نقص

یک سلاح هسته‌ای کاملاً مونتاژ شده و سالم می‌تواند از طرق زیر کسب گردد: (دزدیدن، خریداری از بازار سیاه، ارائه داوطلبانه سلاح هسته‌ای به وسیله کشورهای شرور یا مقامات عالی‌رتبه یک کشور البته بدون اطلاع مسئولین مربوط، که صرفاً به دلیل مسائل عقیدتی یا مالی آن سلاح را در اختیار تروریست‌ها قرار می‌دهند).

۵-۲ سرهم بندی کردن یک سلاح هسته‌ای (IND)

گروه‌های تروریستی برای ساخت یک وسیله انفجاری باید هسته‌ای بایستی یک سری اقدامات فنی مانند: طرحی را برای وسیله هسته‌ای خویش تدوین کنند یا چنین طرحی را از یک دولت دارای سلاح‌های هسته‌ای تحصیل کنند، مواد شکاف‌پذیر تولید کرده یا آن را از یک منبع بیرونی کسب کنند، ساخت بخش‌های غیر هسته‌ای که موجب انفجار می‌شود، قابل اعتماد بودن این عناصر را مورد ارزیابی قرار دهند و نهایتاً به شکل سلاح‌های هسته‌ای قابل شلیک مونتاژ کنند. باید توجه داشت که هیچ یک از اقدامات فوق آسان نیست و بسیار دشوار است. (غنی کله لو، ۱۳۸۹: ۴۵)

۵-۳ سرقت وسیله انفجاری (سلاح هسته‌ای) و استعمال آن

یکی از طرقی که این گروه‌ها می‌توانند به این سلاح‌ها دست یابند سرقت آن از زرادخانه‌ها و انبارهای دولت‌های هسته‌ای است. گروه‌های تروریستی به لحاظ مخاطراتی که ساخت و آزمایش این قبیل سلاح‌ها دارند بیشتر مایل به تصاحب آن‌ها هستند تا انجام فرایند ساخت و تولید آن‌ها. (غنی کله لو، ۱۳۸۹: ۶۳)

۴-۵ انفجار یک بمب کثیف یا به کارگیری دستگاه پخش کننده مواد رادیواکتیو (RDD) کار گذاشتن بمب کثیف طریقه دیگر توسل به تروریسم هسته‌ای است که با قرار دادن مواد منفجره کلاسیک در درون مواد رادیواکتیو محقق می‌گردد. تروریست‌ها ممکن است یک بمب کثیف یک دسیسه انفجاری حاوی ایزوتوپ‌های رادیواکتیو به شکل پودر یا ساچمه‌های ظریف منفجر کنند. (جوینر، مهماندار، ۱۳۸۶: ۲۸۸) اگرچه این بمب‌ها به انفجار اتمی منجر نمی‌شوند، اما باعث پخش شدن مواد رادیواکتیو در اطراف محل بمب‌گذاری و آلودگی محیط زیست می‌شوند. با توجه به تحقیقات صورت گرفته احتمال حمله با یک بمب کثیف به مراتب بیشتر از سایر طرق توسل به تروریسم هسته‌ای است؛ چراکه امروزه کاربرد مواد رادیواکتیو به اشکال گوناگون با زندگی مدرن ما آمیخته و ادغام شده است. مثل کاربرد اشعه ایکس در دندانپزشکی و بیمارستان‌ها برای ردیابی دود سیگار و غیره، به گونه‌ای که کنترل آن‌ها بسیار دشوار است. با توجه به مطالب بیان شده از بین انواع شیوه‌های توسل به تروریسم هسته‌ای گروه‌های تروریستی بیشتر به کاربرد سلاح‌های RED، RDD و بمب کثیف تمایل دارند. برای این که کاربرد آن‌ها خطر نسبتاً کمتری برای جمعیت غیرنظامی و عامه مردم محلی ایجاد می‌گردد و از همه مهم‌تر این که ساخت آن‌ها راحت‌تر و ساده‌تر است و منابع مالی و توانایی کمتری نیاز دارند.

۶. گروه‌های تروریستی که امکان توسل به شیوه‌های تروریستی را دارند

با توجه به تحقیقات صورت گرفته چهار گروه تروریستی هستند که احتمال و توان توسل به تروریسم هسته‌ای را دارند که عبارتند از، گروه‌های تروریستی غایی‌گرا (آخرالزمانی) (Apocalyptic Groups) گروه‌های تروریستی سیاسی،

مذهبی و فراملی (Political_ Religious , International Groups)، گروه‌های تروریستی ملی‌گرا (Nationalist or separatist GROUPS) و جدایی‌طلب و گروه‌های تروریستی خواهان دسترسی به هدف واحد (تک بعدی) (Singel - Issue Terrorists)

۶-۱ گروه تروریستی غایی‌گرا (آخرالزمانی)

این گروه بر این باورند که پایان نظم جهانی کنونی نزدیک است. بنابراین آن‌ها باید نقش فعالی در این راستا برای تسریع وقوع چنین حادثه‌ای داشته باشند. بنابراین برای رسیدن به این هدف کاربرد هر گونه خشونت، زور و حتی توسل به اعمال تروریستی هسته‌ای را جایز دانسته و حتی ضروری می‌دانند. این گروه اغلب دارای باورهای مذهبی و انگیزه قوی هستند و دارای رهبرانی پر جذب و پرهیبت هستند، اما اکثر گروه‌های غایی‌گرا مخالف کاربرد مستقیم خشونت بر علیه جامعه اطراف خود می‌باشند. این گروه اغلب به دنبال جلب توجه دیگران به سمت فعالیت‌های خود هستند. از این نظر توسل به تروریسم هسته‌ای این خواسته آن‌ها (جلب توجه دیگران به خود) را به خوبی برآورده می‌سازد. از طرفی آن‌ها بر این باورند که انفجار یک کلاهک هسته‌ای باعث ایجاد درگیری هسته‌ای و در نهایت جنگ هسته‌ای وسیع و همه‌جانبه می‌گردد که موجب تسریع در پایان رسیدن جهان می‌شوند. نمونه این گروه تروریستی که دارای برنامه نامشخص، مبهم هستند فرقه آم شین ریکو (در ژاپن) است.

۶-۲ گروه تروریستی سیاسی، مذهبی و فراملی

در حال حاضر یکی از عمده نگرانی‌های جامعه بین‌المللی ظهور گروه‌های تروریستی جدیدی است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به منصفه ظهور رسیده‌اند. این گروه‌های دورگه، اغلب چند ملیتی و دارای انگیزه‌های سیاسی، مذهبی می‌باشند. آن‌ها به فن سخنوری، مسائل ایدئولوژیکی و عملیات فیزیکی

علاقه خاصی دارند و دارای اهداف سیاسی از پیش تعریف شده‌ای هستند. این گروه‌ها همواره به دنبال توجیهات مذهبی برای حملات خود می‌باشند. بنابراین عملیات تروریستی خود را با توجه به ترکیب و پویایی فعالیت‌های قدرت‌های بزرگ جهان برنامه‌ریزی می‌نمایند، چون دارای استراتژی مشخص هستند. گروه‌هایی که در این زمینه قرار می‌گیرند عبارتند از: القاعده که در نقطه جغرافیایی خاصی مستقر است (افغانستان) و گروه جدایی طلبان بنیادگرایی هندو. این گروه تروریستی دارای پیشینه تاریخی بوده و به طور بالقوه توان دسترسی به سلاح‌های (CBRN) و اهداف بسیار با ارزش و حیاتی را در سراسر جهان دارند، چون فراملیتی هستند. بنابراین میزان خسارت وارده ناشی از حملات آن‌ها اغلب منحصر به فرد است. از طرفی چون این گروه یک سری باورهای مذهبی دارند، بنابراین نمی‌توانند آزادانه به کشتار دسته جمعی مانند آم‌شین ریکو دست زنند، اما امکان توسل آن‌ها به سلاح‌های هسته‌ای زیاد است؛ چون اهداف آن‌ها اغلب کشورهای غربی و کشورهای است که از وطن آن‌ها در خاورمیانه بسیار دور هستند. در نتیجه امکان آلوده شدن و آسیب دیدن طرفدارانشان بسیار اندک هستند. از طرفی اگر در مقابل حملات گروه تروریستی کشور هدف، تهدید به مقابله به مثل نماید، این تهدید در برابر این گروه کارایی چندانی نخواهد داشت. این گروه می‌تواند به یک نیروگاه اتمی حمله نموده، بمب کثیف کار گذاشته یا دستگاه‌های (RDD) را به کار ببرند. البته این گروه تروریستی برخلاف گروه تروریستی آخرالزمانی علاقه‌ای به ایجاد کشتار دسته جمعی ندارند و همان‌طور که در ۱۱ سپتامبر ملاحظه شد، آن‌ها بیشتر به دنبال ایجاد رعب و وحشت فراوان و وارد آوردن خسارات فیزیکی و اقتصادی گسترده هستند.

۳-۶ گروه‌های تروریستی ملی‌گرا یا جدایی‌طلبان

هدف گروه‌های تروریستی ملی‌گرا یا جدایی‌طلب سنتی، کسب یک سری اهداف سیاسی برای گروه‌های قومی-قبیله‌ای خودشان است. سایر اهداف این گروه تروریستی کسب استقلال سیاسی یا تلافی سیاسی است. به گونه‌ای که آن‌ها همواره به نمایندگی از طرف هوادارانشان اقدام می‌نمایند. تمایل این گروه برای دستیابی و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای تحت الشعاع دو عامل اساسی قرار می‌گیرد. یکی ارزش‌های بنیادینی است که به آن معتقدند و دیگری ترس از صدمه دیدن هموطنان و هوادارانشان است. بنابراین دستیابی و حمله با سلاح‌های هسته‌ای هدف و آرزوی جذابی برای این گروه نیست و اگر هم در صدد کسب یا کاربرد یک سلاح هسته‌ای باشند، صرفاً برای وادار کردن طرف مقابل برای مذاکره است تا به این وسیله بتوانند به خصومت‌های بین خود و نظام حاکم بر کشورشان پایان داده و در نهایت به حقوق سیاسی مورد نظرشان (برای قوم و قبیله خودشان) برسند. این گروه از مقابله به مثل و اهماه دارند، چون دارای مکان مشخص هستند و این‌که این گروه بیشتر به دنبال گروگان‌گیری هستند. به طور کلی از نظر گروه‌های تروریستی جدایی‌طلب یا ملی‌گرا کاربرد هسته‌ای بی‌عیب، سرهم بندی کردن یک سلاح هسته‌ای یا حمله به نیروگاه اتمی کار درستی نیست؛ چون باعث آلودگی شدید سراسر کشور خودشان می‌گردد و جان هموطنان و طرفداران خودشان به خطر می‌اندازند، اما کاربرد یک دستگاه (RDD) یا کارگزاران یک بمب کثیف بهترین وسیله برای رسیدن به اهدافشان است، چون صدمه‌ای به زیرساخت‌های حفاظتی نمی‌زند و آلودگی کمتری ایجاد می‌کند.

۴-۶ گروه‌های تروریستی خواهان دسترسی به هدف واحد (تک بعدی)

گروه‌های تروریستی تک بعدی گروه‌هایی هستند که مانند کاتلیزور عمل می‌کنند. هدف آن‌ها صرفاً تغییر سیاست‌ها یا رفتارهای نظام حاکم بر جامعه‌ای است که در آن‌ها زندگی می‌کنند. این گروه در ارتباط تنگاتنگ با مسائل اجتماعی هستند که از قبل به خوبی تعریف شده‌اند. نمونه این گروه‌های تک بعدی عبارتند از: گروه‌های حامی آزادی حیوانات، مخالفان سقط جنین، حامیان محیط زیست و حتی مخالفان هرگونه فعالیت هسته‌ای گروه‌های تروریستی تک بعدی از این نظر امکان توسل به تروریسم هسته‌ای را دارند که آن‌ها می‌خواهند از این طریق به جهانیان مضرات آثار سوء و عواقب کاربرد مواد و تسلیحات هسته‌ای را بالأخص برای محیط زیست و حیات همه موجودات زنده خاطر نشان نمایند. آن‌ها با تهدید به کاربرد سلاح‌های هسته‌ای می‌خواهند افکار عمومی جامعه بین‌المللی را به خود جلب نموده و به این ترتیب دولت مردان را وادار نمایند تا مشکلات و نگرانی‌های آن‌ها را نیز مدنظر قرار دهند. (کوشا، ۱۳۸۹: ۷۰)

۷. اقدامات کشورها و نهادهای بین‌المللی در مبارزه با تروریسم قبل از ۱۱ سپتامبر از زمانی که نخستین بمب‌های اتمی بر فراز شهرهای هیروشیما و ناگازاکی در ژاپن فرو ریخت، جامعه بین‌المللی با این نگرانی روبه‌رو شد که چگونه با این سلاح‌ها مقابله و آن‌ها را مهار کند، تا از دسترسی تروریست‌ها در امان باشند. خلع سلاح کنترل تسلیحات از زمان‌های قدیم از ابزارهای مهم و کارآمد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است. پیش بینی میثاق جامعه ملل (۱۹۱۹) و منشور ملل متحد (۱۹۴۵) در زمینه همکاری دولت‌های عضو برای

کنترل تسلیحات، اهمیت نقش سازمان‌های بین‌المللی در ارائه طرح‌هایی در این خصوص را به خوبی نشان می‌دهد. اقدامات حقوقی بین‌المللی که در این راستا صورت گرفته‌اند بیش‌تر در خصوص عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنترل و خلع سلاح‌های هسته‌ای، حفاظت فیزیکی از مواد، تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای برای جلوگیری از سرقت یا استفاده غیرمجاز از آن‌ها، ایجاد مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای و... بوده است.

۷-۱ اقدامات دو جانبه ایالات متحده و شوروی قبل از ۱۱ سپتامبر

معاهدات دو جانبه‌ای که بین ایالات متحده و شوروی در مسائل هسته‌ای تصویب شدند عبارتند از:

۱. معاهده سالت یک
۲. معاهده سالت
۳. معاهده حذف موشک‌های میان برد و کوتاه برد هسته‌ای موسوم به (INF)
۴. معاهده استارت یک
۵. پروتکل لیسون
۶. معاهده استارت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷-۲ اقدامات چندجانبه بین‌المللی

از آغاز تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ مسئله کنترل تسلیحات هسته‌ای مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. پیام انیشتن نیز به دانشمندان ایتالیا این بود که (نیروی افسار گسیخته‌ای که بر همه چیز جز نحوه تفکر ما تأثیر گذاشته است، جهان را به سوی فاجعه هولناکی سوق می‌دهد. اگر بشر بخواهد از این ورطه تاریک جان سالم به در ببرد و نجات یابد باید چشمان خود را باز کند و جهان را از دریچه دیگری نظاره کند) در

دهه ۵۰ میلادی سازمان ملل متحد با تصویب نخستین قطعنامه خود در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ در خصوص خلع سلاح در صدد تشکیل کمیسیون انرژی اتمی و به دنبال آن تأسیس آژانس انرژی اتمی (IAEA) برای کنترل مواد و تجهیزات هسته‌ای صلح‌آمیز کشورهای هسته‌ای جهان برآمد.

۳-۷ اقدامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) برای مقابله با تروریسم هسته‌ای (International Atomic Energy Agency)

اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۶ پس از مذاکرات طولانی مدت در چارچوب برنامه اتم برای صلح در نیویورک مقرر سازمان ملل متحد امضا گردید تا به دو هدف دست یابد. اولاً تشویق استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای و ثانیاً حصول اطمینان از این امر که کمک‌های آژانس برای دستیابی دولت‌ها به مواد هسته‌ای صلح‌آمیز (طبق بند ۲ اساسنامه آژانس) برای پیشبرد مقاصد نظامی به کار نرود. آژانس انرژی اتمی یک سازمان بین‌دولتی، علمی و فناوری مستقل در خانوار سازمان ملل متحد است. این سازمان به عنوان یک نقطه تماس دولت‌های جهان برای همکاری هسته‌ای است که در سال ۱۹۵۷ رسماً شروع به کار کرد. آژانس طبق اساسنامه‌اش باید سهمی را که انرژی هسته‌ای می‌تواند برای تضمین صلح و سعادت جامعه جهانی ایفا کند را ترویج نموده و توسعه دهد. آژانس این کار را از طریق سیستم بازرسی، تبعیت کشورها از تعهدات خودشان بر اساس پیمان (NPT) و سایر موافقت‌نامه‌های منعقد شده با دولت‌های عضو برای استفاده صلح‌آمیز از تأسیسات و مواد هسته‌ای پیگیری می‌نماید.

۴-۷ تدابیر احتیاطی - نظارتی (IAEA) شامل موارد ذیل می‌گردد.

۱. رسیدگی به نقشه تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای مانند: راکتورهای هسته‌ای.

۲. تقاضای رعایت تمام مقررات بهداشتی و تدابیر احتیاطی که آژانس وضع نموده است.
۳. تقاضای نگهداری و تهیه فهرست روشنی از سابقه عملیات صورت گرفته در تولید مواد اولیه یا مواد شکاف‌پذیر مخصوص.

۴. مطالبه و دریافت گزارش‌هایی درباره پیشرفت عملیات دولت‌های عضو در این زمینه.

۵. تصویب طرق اجرای عملیات شیمیایی بر روی مواد قابل تشعشع با این هدف که اطمینان حاصل گردد، از این مواد برای مقاصد نظامی استفاده نخواهد شد.

۶. اعزام بازرسان به قلمرو دولت‌های عضو برای احتساب مواد اولیه، مواد شکاف‌پذیر مخصوص، محصولات به دست آمده از مواد شکاف‌پذیر مخصوص و تشخیص این‌که از این مواد برای مقاصد نظامی استفاده نخواهد شد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استانداردهای حفاظتی را تعیین و بازرسی‌هایی را با هدف شناساندن فقدان قابل توجه مواد کشف‌پذیر یا این‌که آیا حفاظت کافی در محل، جهت تعیین عدم سرقت مواد در حین حمل و نقل یا ذخیره‌سازی اعمال می‌شود یا خیر انجام می‌دهد. (جوینز، مهماندار، ۱۳۸۶: ۲۸۸) بازرسان هر تخلفی را که ملاحظه کنند به دبیرکل آژانس گزارش می‌دهند. (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

۷-۵ مصوبات (IAEA)

موضوع پیشگیری از تروریسم هسته‌ای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توجه (IAEA) قرار گرفت. در این خصوص اسناد ذیل را تدوین و تصویب نمود.

سند ۱۵۳، سند ۲۲۵ و کنوانسیون الزام‌آور حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنار تصویب این قطعنامه‌ها در راستای اجرای مسئولیت خود طبق این قطعنامه‌ها و مقابله عملی با معضل قاچاق مواد هسته‌ای اقدامات ذیل را نیز به طور خلاصه انجام داده است.

۱. کمک به دولت‌های عضو آژانس برای تدوین قانون ملی خود راجع به ایمنی و امنیت مواد هسته‌ای که در قالب پروژهای همکاری صورت گرفته است.

۲. ایجاد پایگاه اطلاعاتی برای ثبت وقایع قاچاق هسته‌ای، که حدود پنجاه کشور عضو آن هستند.

۳. کمک به تقویت سیستم حفاظت فیزیکی ملی کشورها که در این میان کمک‌های فنی و مالی در خور توجهی به کشورهای اروپای شرقی و آسیای میانه ارائه شده است.

۴. اجرای پروژه INT/۹/۳۴۱ در سال ۱۹۹۳ برای آن‌که ساختارهای دولت‌های عضو در زمینه ایمنی در برابر تشعشعات تقویت شوند و از این طریق جلوی مفقود شدن چشمه‌های رادیواکتیو آن‌ها گرفته شود.

۵. تدوین دستورالعمل‌های ایمنی هسته‌ای که با کمک دولت‌های عضو و سایر سازمان‌های بین‌المللی برای پیشگیری، کشف و واکنش در مقابل قاچاق مواد هسته‌ای و رادیواکتیو تهیه شده است.

۶. برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف از سال ۱۹۹۴ در خصوص پیشگیری و مبارزه با قاچاق مواد هسته‌ای.

۷. تبادل اطلاعات یا اعلام تمامی اطلاعات راجع به قاچاق مواد هسته‌ای به کشورها

۶-۷ اعلامیه هشت کشور صنعتی جهان در تکمیل اقدامات (IAEA)

اقدام دیگری که در خصوص پیشگیری و مبارزه با قاچاق مواد هسته‌ای و رادیواکتیو صورت گرفته است. اعلامیه سران هشت کشور صنعتی در زمینه امنیت و ایمنی مواد هسته‌ای و رادیواکتیو موسوم به اعلامیه مسکو است. این اعلامیه در سال ۱۹۹۶ صادر شده است.

۸. اقدامات سازمان ملل متحد

۸-۱ بررسی صلاحیت سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم هسته‌ای

سازمان ملل متحد از مدت‌ها قبل مرکز تلاش‌های بین‌المللی برای توسعه سیاست مشترک همکاری بین دولت‌ها برای مبارزه و جهت مقابله با تروریسم بوده است. (غالی، ترجمه: زمانی، ۱۳۸۹) در منشور ملل متحد هیچ‌گونه تصریحی به تروریسم بین‌المللی یا تروریسم هسته‌ای نشده است، اما پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد، به دنبال گسترش فزاینده عملیات تروریستی، این موضوع برای اولین بار در ژوئن ۱۹۷۲ به وسیله دبیرکل وقت در سازمان ملل متحد مطرح گردید. موارد مغایرت توسل به تروریسم هسته‌ای با اصول کلی سازمان ملل متحد مذکور در منشور (un) قرار ذیل است. (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

۱. مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد که مبین احترام و رعایت حقوق بشر هستند. طبق ماده ۵۵ (با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات در رفاه، برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی که بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل است. در بررسی علل و ریشه‌های تروریسم بین‌الملل این نتیجه حاصل می‌گردد که تروریسم محصول شرایط نامتعادل و غیرمترقبانه نظام بین‌المللی است که ناشی از کمبودهایی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... است) طبق ماده ۵۶ تمام اعضای سازمان ملل متحد متعهد می‌شوند که برای نیل به اهداف مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته‌جمعی را معمول دارند. امروزه در این‌که اقدامات تروریستی مخالف حقوق بشر است، دولت‌ها اتفاق نظر دارند.

۲. تروریسم بین‌المللی هسته‌ای تهدیدی برای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است. نظر به این که ماده یک منشور ملل متحد، اولین هدف سازمان ملل متحد را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند. بنابراین بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور تمام اعضا مکلف هستند از توسل به زور یا تهدید به استفاده از آن، علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها یا به هر نحو دیگری که با اهداف و اصول منشور مباینت داشته باشد، خودداری نمایند. این تعهدات اعضا (دولت‌های عضو) از نوع تعهدات عام‌الشمول است. بنابراین به موجب بند ۶ ماده ۲ منشور کشورهای غیر عضو سازمان ملل را نیز تحت سیطره و نظام حقوقی خود قرار می‌دهد.

از طرفی به موجب مواد ۳۳ و ۳۴ منشور، به شورای امنیت اجازه داده شده است تا در مورد وضعیت‌ها و اختلافاتی که تداوم آن‌ها می‌تواند حفظ صلح و امنیت بین‌الملل را به مخاطره بیندازد، تحقیق نماید. طبق ماده ۳۹ منشور شورای امنیت می‌تواند هرگونه تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوزکارانه را احراز نموده و توصیه‌هایی را طبق مواد ۴۱ یا ۴۲ منشور، برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یا اعاده آن نماید. بنابراین شورای امنیت مجاز است از تدابیر مسالمت‌آمیز (فصل ششم منشور) یا اقدامات قهرآمیز (فصل هفتم منشور) برای حفظ یا اعاده صلح یا توقف عملیات تروریستی استفاده نماید. مشکلی که وجود دارد این است که در هیچ‌جای منشور تعریفی از صلح یا تهدید صلح و امنیت بین‌المللی نشده است.

۳. تروریسم هسته‌ای مغایر اصول حقوق بین‌الملل بشر دوستانه یعنی قواعد مذکور در معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن است. گرچه در این معاهدات صراحتاً به حملات تروریستی هسته‌ای اشاره نشده است، اما

طبق رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۱۹۶۶) اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی ماهیتاً درباره تسلیحات هسته‌ای کاربرد دارند. از این نظر که کاربرد تسلیحات هسته‌ای در هر حمله‌ای (جنگ یا تروریستی) مغایر اصول تمایز وارد آوردن رنج و درد بیهوده و غیر ضروری و اصل تناسب و حفاظت از محیط زیست مذکور در معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و مغایر اصول ۵۱ و ۵۷ پروتکل اول الحاقی ژنو ۱۹۷۷ است. برای این‌که سلاح‌های هسته‌ای بدون تمایز باعث ایجاد رنج و بیهوده می‌گردد که نامتناسب با اهداف تروریست‌هاست.

۴. خلع سلاح مذکور در منشور نیز یک ابزار حقوقی برای مقابله با تروریسم هسته‌ای است. به موجب بند ۱ ماده ۱۱ منشور سازمان ملل متحد مجمع عمومی می‌تواند، اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح را تنظیم کند. در واقع اولین قطعنامه مجمع عمومی که در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۵ (پس از بمباران هسته‌ای دو شهر ژاپن به وسیله ایالات متحده) صادر شده به خلع سلاح اختصاص داشت. مجمع عمومی در این قطعنامه به حذف سلاح‌های (WMD) و حذف تسلیحات هسته‌ای تأکید کرده است. در ماده ۲۶ منشور نیز به مسئله خلع سلاح هسته‌ای اشاره شده است. بنابراین مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، طبق مواد ۱۱ و ۲۶ منشور ملل متحد دارای صلاحیت عام برای رسیدگی به مسائل خلع سلاح‌های هسته‌ای و کنترل تسلیحات هسته‌ای هستند. البته این مسئله پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شتاب بیشتری پیدا کرد. به گونه‌ای که در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۰۱ مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه ۵۶/۵۴ مجدداً به مسئله خلع سلاح و عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرد.

از طرفی کمیته‌ها و ارگان‌های تابعه و تخصصی مجمع عمومی که شامل کمیته اول، کنفرانس خلع سلاح کمیسیون خلع سلاح و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) همواره موضوعات مختلف خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای را مورد بحث قرار داده‌اند. این ارگان‌ها تصمیمات و توصیه‌های خود را برای تدوین و توسعه نظام خلع سلاح به مجمع عمومی یا شورای امنیت ارائه دهد.

۸-۲ اسناد مصوب سازمان ملل متحد

هر اجتماعی برای حفظ و تداوم حیات خود، نیاز به قواعد و مقرراتی دارد تا بتواند ارزش‌ها و هنجارهای خود و در نتیجه منافع عمومی را تضمین نماید. حقوق بین‌الملل نیز باید به عنوان مجموعه مقررات و قواعد حاکم بر تابعان خود و به عنوان یک نظام حقوقی حاکم بر جامعه بین‌المللی باید دارای این ویژگی باشد. طبق بند ۴ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد مرکزی برای هماهنگ نمودن اقداماتی است که دولت‌های عضو سازمان ملل برای حصول اهداف مشترک خود معمول می‌دارند. با توجه به افزایش موج عملیات تروریستی بین‌المللی در سراسر جهان سازمان ملل متحد برای جلوگیری از خطر گسترش هسته‌ای و به تبع آن تروریسم هسته‌ای اقدامات ذیل را قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر اتخاذ نموده است:

۱. اتخاذ تدابیری برای ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای
 ۲. اتخاذ تدابیری برای حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای
 ۳. اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای
- این موارد به ترتیب در قسمت‌های بعدی به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته است:

جز اول: اتخاذ تدابیری برای ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای

ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای، طریقه دیگری برای تسکین نگرانی‌های امنیتی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای و تقویت انگیزه آن‌ها برای خودداری از تحصیل تسلیحات هسته‌ای است. ایجاد چنین مناطقی از جمله اقدامات مهم برای ایجاد اعتماد و امنیت جهانی است. یکی از اولین مناطقی که غیر نظامی اعلام شد، منطقه قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ است. پس از آن مناطق ذیل نیز غیر نظامی یا غیر هسته‌ای اعلام شدند: فضای ماورای جو، معاهده (تل تلکو) کف و بستر اقیانوس‌ها، ماه، معاهده (رارتونگا) معاهده (پلیندانا) معاهده (بانکوک) و معاهده (تاشکند).

قسمت اول: موافقت‌نامه قطب جنوب (۱۹۵۹) نظر به این که قطب جنوب سرزمین وسیعی بود، موافقت برای غیر نظامی اعلام کردن آن در اول دسامبر ۱۹۵۹، گامی بزرگ در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در این منطقه بود. این موافقت‌نامه در ۱۳ ژوئن ۱۹۶۱ لازم‌الاجرا گردید. طبق این موافقت‌نامه کل قطب جنوب منطقه غیر نظامی اعلام شد. به عبارتی استفاده تمام تسلیحات هسته‌ای و غیر هسته‌ای انجام هرگونه مانور نظامی، ایجاد تاسیسات نظامی و انفجارات هسته‌ای و ریختن ضایعات رادیو اکتیو نیز در این منطقه ممنوع اعلام گردید. قسمت دوم: معاهده ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در فضای جو و زیر آب (۱۹۶۳) در ۵ اوت ۱۹۶۳ ایالات متحده و شوروی (سابق) و انگلستان در مسکو، معاهده‌ای را در زمینه ممنوعیت آزمایشات هسته‌ای در جو و زیر دریاها منعقد کردند که در اکتبر ۱۹۶۳ لازم‌الاجرا گردیده است.

قسمت سوم: معاهده استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام سماوی (۱۹۶۷)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ به اتفاق آراء معاهده مربوط به اصول حاکم بر فعالیت کشورها در زمینه اکتشاف و استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو از جمله کره ماه و سایر اجرام سماوی را تصویب کرد که در ۱۹۶۷ لازم الاجرا گردید. طبق بند ۱ ماده ۴ استقرار هرگونه وسیله برای حمل و نقل سلاح‌های هسته‌ای و هر نوع سلاح انهدام فراگیر (جمعی) در مدار زمین ممنوع اعلام شد. از این قاعده کشورهای قدرتمند چنین نتیجه می‌گیرند که قرار دادن سلاح‌های کلاسیک یا معمولی در فضای ماورای جو بلامانع است. در این معاهده هیچ‌گونه سیستم نظارتی خاصی پیش‌بینی نشده است.

قسمت چهارم: معاهده (تل تلکو) (Tlatelolco) ۱۹۶۷

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هجدهمین اجلاس خود، طی قطعنامه شماره ۱۹۱۱ مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۶۳ آمریکای لاتین را به عنوان منطقه غیر هسته‌ای اعلام کرد. بر اساس این قطعنامه معاهده منع یا تحریم سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین موسوم به معاهده تل تلکو در فوریه ۱۹۶۷ در مکزیک به امضا ۱۴ کشور رسید که در ۱۹۶۸ لازم الاجرا گردید.

قسمت پنجم: معاهده ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی در بستر دریا و کف اقیانوس (۱۹۷۱)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۷ دسامبر ۱۹۷۰ معاهده منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سایر تسلیحات انهدام فراگیر در اعماق دریاها را تصویب نمود که در ۱۹۷۲ لازم الاجرا گردید. طبق مفاد این معاهده استقرار و نصب سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های انهدام فراگیر هم‌چنین ایجاد ساختمان‌ها و تأسیسات مربوط به پرتاب برای بهره‌برداری از این تسلیحات در اعماق (کف و زیرکف) دریاها و اقیانوس‌ها خارج از حد دریای سرزمینی کشورها ممنوع

گردیده است. (ماده ۱) اجرای چنین تعهدی بستگی به نظارت بین‌المللی دارد که امکان دارد منجر به مداخله امنیت گردد. (ماده ۳) قسمت هشتم: موافقت‌نامه ماه (۱۹۷۹)

این موافقت‌نامه یا معاهده در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در حضور دبیرکل سازمان ملل متحد برای امضا مفتوح گردید که در ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۴ لازم‌الاجرا گردید. طبق مفاد این معاهده از ماه فقط برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده شود، این معاهده مکمل معاهده فضای خارج و ماورای جو است.

قسمت هفتم: معاهده رارتونگا (Rarotonga) (۱۹۸۵)

این معاهده در ۶ اوت ۱۹۸۵ در رارتونگا جزایر کوک به امضا رسید که در ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۶ لازم‌الاجرا گردید. معاهده رارتونگا برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام است.

قسمت هشتم: معاهده پلیندایا (۱۹۹۱) مجمع عمومی در شانزدهمین اجلاسیه خود، طی قطعنامه شماره ۱۶۵۲ مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۶۱ غیر هسته‌ای کردن قاره آفریقا را اعلام کرد، کشورهای آفریقایی از تبدیل شدن قاره آفریقا به یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای حمایت کردند. به این ترتیب از ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱ که آفریقای جنوبی به عنوان یک کشور فاقد سلاح‌های هسته‌ای به (NPT) ملحق شد، آخرین مانع بر سر راه ایجاد یک منطقه آفریقایی عاری از سلاح‌های هسته‌ای برداشته شد.

قسمت نهم: معاهده بانکوک (۱۹۹۵)

این معاهده برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جنوب شرقی آسیا است و در ۱۹۹۵ به امضای کشورهای بروئنی، کامبوج، اندونزی، مالزی، میانمار، سنگاپور، تایلند، ویتنام و لائوس رسید و در ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا گردید.

قسمت دهم: معاهده تاشکند (۲۰۰۲) پنج کشور آسیای مرکزی شامل: ازبکستان، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان پس از پنج سال مذاکره مستمر بالاخره در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۲ در خصوص قرارداد عاری سازی منطقه از سلاح‌های هسته‌ای به توافق رسیدند.

جز دوم: اتخاذ تدابیری برای حفاظت فیزیکی از مواد، تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای
امروزه با پیشرفت فناوری، احتمال حملات تروریستی بسیار بیشتر از قبل شده است. برای این که مکان‌هایی با مواد هسته‌ای کافی برای ساخت بمب اتمی در سراسر جهان وجود دارند که به طور اساسی از آن‌ها در مقابل عملیات تروریستی محافظت نمی‌شود. بخش حیاتی برنامه بین‌المللی مقابله با تروریسم هسته‌ای جلوگیری از ایجاد فرصت مناسب‌ای تروریست‌ها است. البته تولید (HEU) و پلوتونیوم تقریباً فراتر از توان گروه‌های تروریستی است. بنابراین اگر بتوان زرادخانه‌های هسته‌ای کنونی موجود در جهان را به طور اصولی محافظت کرد، آن‌گاه می‌توان تا حد بسیار زیادی از وقوع تروریسم هسته‌ای از طریق دزدیدن سلاح‌های هسته‌ای اجتناب ورزید.

قسمت اول: ایجاد کمیته صادرکنندگان هسته‌ای (۱۹۷۱)

در سال ۱۹۷۱ بسیاری از طرف‌های (NPT) در موقعیتی قرار داشتند که می‌توانستند مواد و تجهیزات هسته‌ای مورد نیاز سایر کشورها را تأمین نمایند. در این راستا جلساتی را برای بررسی این موضوع برگزار کردند و کمیته صادرکنندگان هسته‌ای را تشکیل دادند. این کمیته تلاش‌های فراوانی برای ارائه تفسیر یکنواختی از عبارت تجهیزات یا موادی نمود که مخصوصاً برای پردازش، استفاده یا تولید مواد خاص شکافته شدنی به کار می‌روند. این کمیته

اطلاعاتی بین اعضای خود پیرامون پروانه‌های صادراتی و وارداتی که اعطا و رد و بدل می‌شود ارائه می‌نماید و اقدامات خود را به اطلاع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌رساند.

قسمت دوم: ایجاد گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای (۱۹۷۵-۱۹۷۸)

اقدام دیگری که برای حفاظت از مواد و تجهیزات هسته‌ای به عمل آمد تشکیل یک گروه غیررسمی از کشورهای تأمین‌کننده هسته‌ای بود. گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای فهرستی از مواد، تجهیزات و تکنولوژی هسته‌ای را برای صادرات تهیه کرده بودند که دریافت‌کنندگان این خدمات و مواد را ملزم می‌ساخت تا از این مواد، تجهیزات و تکنولوژی هسته‌ای که دریافت می‌کنند حمایت کافی به عمل آورند و متعهد شوند که از آنها به جز مقاصد صلح‌جویانه استفاده نمایند. رهنمودهای این گروه که موسوم به رهنمودهای لندن برای نقل و انتقالات هسته‌ای است. در اواخر آوریل ۱۹۹۲ در لهستان گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای اقدامات دیگری را تصویب کردند که بعدها رهنمودهای ورشو نامیده شد.

قسمت سوم: کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای (۱۹۸۰-۱۹۸۷)

این کنوانسیون سند بسیار مهمی دیگری است که سازمان ملل تصویب نموده است. به طور خلاصه هدف این کنوانسیون عبارتند از: متعهد کردن دولت‌های عضو کنوانسیون در خصوص این که، در هنگام حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای تمام اقدامات لازم را به گونه‌ای که در این کنوانسیون ذکر شده، رعایت نمایند تا از سرقت مواد و تجهیزات هسته‌ای جلوگیری شود.

قسمت چهارم: تصویب پیمان ایمنی هسته‌ای (۱۹۹۴)

این پیمان، اولین سند حقوقی است که مستقیماً به موضوع ایمنی نیروگاه‌های هسته‌ای می‌پردازد. این پیمان درباره نیروگاه‌های هسته‌ای سیویل زمینی است،

طرفین معاهده را ملزم می‌سازد تا چارچوب قانون‌گذاری و تنظیمی حاکم بر ایمنی هسته‌ای را در قلمرو خود مستقر سازند. به عبارتی کشورهای عضو متعهد شدند تا اصول اساسی ایمنی را نسبت به تأسیسات هسته‌ای خود اجرا نموده و موافقت کردند در جلسات تجدیدنظر شرکت کرده و گزارشات ملی خود را درباره اجرای تعهداتشان به آژانس ارائه دهند.

جز سوم: اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای

بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم بازسازی اقتصادهای فرسوده و رقابت برای ایجاد اتحادیه‌های ایدئولوژیکی و سیاسی شدیداً مورد توجه قرار گرفت. از طرفی برخی کشورها به دلیل عدم اعتماد و ملاحظات امنیتی ملی، بر توسعه فناوری هسته‌ای خود بیش از حد لزوم تأکید می‌کردند. به طوری که تا سال ۱۹۶۴ پنج کشور چین، فرانسه، شوروی، انگلستان و ایالات متحده دارای سلاح‌های هسته‌ای شده بودند. دیپلماسی چند جانبه در این زمینه موجب شد که مجمع عمومی سازمان ملل، چند قطعنامه در خصوص عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای را به تصویب برساند که مهم‌ترین آن‌ها قطعنامه ۱۶۶۵ بود که در سال ۱۹۶۱ به اتفاق آرا تصویب شده بود. این قطعنامه را قطعنامه ایرلندی نامیدند. چون به ابتکار و تحت رهبری ایرلند تدوین شده بود.

قسمت اول: معاهده ممنوعیت جزئی آزمایشات هسته‌ای موسوم (PTBT) (۱۹۶۳)

این معاهده نخستین معاهده چند جانبه در خصوص کنترل تسلیحات هسته‌ای است که آزمایشات هسته‌ای را در سه محیط جو ماورای جو، ماورای جو و زیر دریا (آب‌های سرزمینی و دریای آزاد) ممنوع می‌کند. (حتی اگر صلح‌آمیز باشد) تصویب این معاهده پیشرفتی به سوی احترام نسبت به محیط زیست و تقلیل آثاری است که به طور بالقوه در اثر آزمایشات هسته‌ای برای سلامتی

موجودات زنده ایجاد می‌گردد. با توجه به این‌که این معاهده آزمایشات هسته‌ای زیرزمینی را منع نکرده است، بنابراین انگلیس و ایالات متحده مشترک در صحرای نوادا بدون نقص تعهدات بین‌المللی ناشی از این معاهده، آزمایشات زیرزمینی هسته‌ای خود را انجام دادند. این معاهده سهم مهمی در حفاظت از محیط زیست دارد. از طرفی این معاهده مانعی در مقابل گسترده‌تر شدن دامنه سلاح‌های هسته‌ای گردید و زمینه را برای انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) هموار کرد.

قسمت دوم: معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به (NPT) (۱۹۶۸)
الف) تاریخچه تصویب (NPT) از آغاز تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، مسئله عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت. علت اصلی مطرح شدن این مسئله در دهه ۵۰ میلادی این بود که اطلاعات مربوط به تکنولوژی هسته‌ای بر اثر کمک‌های فنی ایالات متحده و شوروی به سایر کشورهای جهان تا آن‌جا که گسترش یافته بود که بیم آن می‌رفت این اطلاعات هسته‌ای در مقاصد نظامی به کار گرفته شود. هیئت نمایندگی ایرلند در مجموعه پیشنهادات ساخت و تولید سلاح‌های هسته‌ای بایستی ممنوع شود. (موسوی، حاتمی، ۱۳۸۹: ۳۶۱) هم‌چنین ایالات متحده و سپس شوروی در سال ۱۹۶۵ و ۱۹۵۷ نظریات خود را در این باره با کمیته فرعی و کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل مطرح کردند. (خداپرست، ۱۳۹۳) در ۲۴ اوت طرح مشترکی از سوی ایالات متحده و شوروی ارائه شد که فاقد مسئله نظارت بود. طبق ماده ۳ این طرح مشترک دولت‌های غیرهسته‌ای متعهد شده بودند تا برای استقرار نظارت بین‌المللی به تنهایی یا به اتفاق سایر دولت‌ها، بر اساس اساسنامه (IAEA) و پس از مذاکره با آن موسسه موافقت‌نامه‌هایی را امضا

نمایند. طبق پیشنهاد سوئد که سخنگوی کشورهای غیرمتعهد در آن زمان بود کنفرانس تجدید نظر اضافه گردید. آمریکا و شوروی نیز با اصلاح طرح خود تأکید بر لزوم توقف قطعی هرگونه آزمایش هسته‌ای توقف تسلیحات هسته‌ای و ضرورت دعوت ادواری از دولت‌های عضو برای تجدیدنظر در این معاهده را نمودند. این طرح اصلاح شده به کمیته خلع سلاح ژنو ارائه شد. این کمیته نیز طرح اصلاح شده را به مجمع عمومی فرستاد که طی قطعنامه ۲۳۷۳/۲۲ در سال ۱۹۶۸ تصویب گردید این معاهده در سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا گردید.

(ب) هدف و دامنه معاهده (NPT)

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مهم‌ترین رژیم امنیتی بین‌المللی است. این معاهده حاصل چهار سال مذاکره سخت و مفصل در کمیته خلع سلاح هیجده ملت و کمیته امنیتی و سیاسی مجمع عمومی بود. (قربانی، صالحان، ۱۳۹۲: ۴۲) معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای موسوم به (NPT) (مصوب ۱۹۶۸) شامل پنج اصل است که در قطعنامه شماره (۲۰) ۲۰۲۸ مجمع عمومی مطرح شده است. این معاهده در اصل موافقتنامه‌ای است که، کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای و کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای آن آزادانه امضا کرده‌اند. معاهده (NPT) درباره این است که چگونه کشورهای فاقد فناوری هسته‌ای بتوانند از مزایای انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز به بهترین نحو ممکن سود جویند و در عین حال بکوشند تا صلح و امنیت بین‌المللی نیز به مخاطره بیفتد. این معاهده نشان‌دهنده مهم‌ترین اقدام واحد جامعه بین‌المللی برای مقابله با این چالش می‌باشد. چون چنین تلقی می‌شود که تکثیر سلاح‌های هسته‌ای صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد. به این ترتیب کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای طرف این معاهده موافقت کرده‌اند تا آن سلاح‌ها را توسعه

ندهند یا آن را تحصیل نمایند، ولی اگر مورد تهدید سلاح‌های هسته‌ای قرار گرفتند، کشورهای هسته‌ای به کمک آن‌ها بیایند (تضمین‌های مثبت) از طرفی کشورهای دارای سلاح‌های هسته‌ای طرف معاهده نیز تعهد نمودند، تا خلع سلاح‌های هسته‌ای را دنبال کنند و از توسل به این سلاح‌ها علیه کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای خودداری نمایند، البته به شرط این‌که دولت فاقد سلاح‌های هسته‌ای عضو (NPT) متحد یک کشور هسته‌ای درگیر در یک مخاصمه مسلحانه نباشد. (تضمین منفی)

معاهده (NPT) دارای یک مقدمه و ۱۱ ماده است. در مقدمه به مسائل زیر پرداخته شده است. توجه به ویرانی‌هایی که یک جنگ هسته‌ای می‌تواند برای بشریت به بار آورد خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای تأکید بر لزوم همکاری دولت‌ها برای استفاده، تأکید بر لزوم خلع سلاح هسته‌ای و اعلام اراده دولت‌ها برای توقف آزمایشات هسته‌ای.

در متن معاهده (NPT) به مورد زیر پرداخته است: مواد ۱ تا ۳ به تعهد دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای در خصوص عدم همکاری و انتقال تکنولوژی ساخت سلاح‌های هسته‌ای به دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای تعهدات دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای برای چشم‌پوشی نمودن از حق دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و پذیرش پادمان هسته‌ای اشاره شده است. ماده ۴ و ۵ درباره ضرورت به همکاری دولت‌های عضو در زمینه ارتقای صلح‌آمیز انرژی اتمی و استفاده صلح‌آمیز از انفجارات هسته‌ای برای همه دولت‌های عضو (NPT) است.

ماده ششم، به لزوم توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای و رهیافت منطقه‌ای خلع سلاح هسته‌ای می‌پردازد.

در همین راستا ماده هفتم به ایجاد مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای و رهیافت منطقه‌ای خلع سلاح هسته‌ای می‌پردازد. مواد ۸ تا ۱۱ درباره روند بازنگری و اصلاح معاهده (NPT) ترتیبات الحاق و خروج از معاهده و تمدید آن است. در این معاهده کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای این‌گونه تعریف شده است. کشوری دارای سلاح‌های هسته‌ای تلقی می‌گردد که قبل از اول ژانویه ۱۹۶۷ سلاح‌های هسته‌ای یا سایر مواد منفجره هسته‌ای را تولید و منفجر کرده‌اند. (آمریکا، شوروی، فرانسه، چین و بریتانیای کبیر)

بر طبق معاهده (NPT) کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای عضو این معاهده نیز متعهد شده‌اند تا هیچ سلاح هسته‌ای یا سایر وسایل منفجره هسته‌ای را کسب و کنترل ننمایند. این معاهده اگرچه توانسته است موفقیت‌های نسبی را در راستای جلوگیری از گسترش افقی سلاح‌های هسته‌ای به دست آورد (یعنی عدم انتقال این سلاح‌ها به دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای) به این ترتیب تا حدی نیز توانسته جلوی مسابقه تسلیحاتی دولت‌های دارای سلاح‌های هسته‌ای را بگیرد، ولی در خصوص عدم گسترش عمودی تسلیحات هسته‌ای (عدم افزایش قدرت مخرب پنج دولت دارای سلاح‌های هسته‌ای) چندان موفق نبوده است.

(ج) فرایند نظارت بر اتفاق (NPT)

اعضای این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند تعهد می‌نمایند تا برای رعایت مفاد (NPT) موافقت‌نامه‌هایی را به صورت انفرادی یا به اتفاق سایر اعضای (NPT) طبق اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با آژانس منعقد نمایند.

(د) فرایند بازنگری در (NPT)

یکی از موارد پیش بینی شده برای کسب اطمینان از تحقق اهداف مندرج در مقدمه و مفاد معاهده (NPT) برگزاری کنفرانس‌های بازنگری است که طبق بند ۳ ماده ۸ (NPT) باید هر پنج سال یک بار تشکیل شوند. از سال ۱۹۷۰ تاکنون هفت کنفرانس بازنگری به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ تشکیل شده است. تا سال ۲۰۰۰ شش کنفرانس بازنگری انجام شده است در کنفرانس بازنگری ششم کوفی عنان دبیر کل وقت (UN) اعلام کرد عضویت ۱۸۷ کشور جهان در (NPT) بیانگر اهمیت جهانی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. در حالی که هنوز حدود ۳۵ هزار سلاح هسته‌ای در زرادخانه‌های ابرقدرت هسته‌ای وجود دارد که هزاران سلاح آن‌ها در حال آماده باش هستند. از سوی دیگر فشار روزافزون استقرار سیستم‌های دفاع موشکی که اخیراً اعمال می‌شود نیز تازه‌ترین مشکل در زمینه خلع سلاح است. برای این که پیمان موشک‌های بالستیک را به خطر می‌اندازد و به این ترتیب به آرامی مسابقه تسلیحاتی جدیدی در جهان دامن زده می‌شود در نهایت ۱۸۷ عضو (NPT) با امضای یک سند نهایی توافق کردند که تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای را در جهان متوقف کنند. در این کنفرانس تمامی اعضا (NPT) با سیزده گام عملی ذیل برای دستیابی به خلع سلاح کامل هسته‌ای توافق کردند. این سیزده گام عبارتند از:

۱. امضا و تصویب معاهده (CTBT) به منظور تسریع در لازم‌الاجرا شدن آن

۲. توقف آزمایشات انفجاری هسته‌ای تا لازم‌الاجرا شدن (CTBT)

۳. ضرورت شروع مذاکرات در کنفرانس خلع سلاح (CD) برای تدوین یک معاهده چندجانبه بین‌المللی و قابل نظارت که تولید مواد شکاف‌پذیر لازم برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای را ممنوع نماید.

۴. ضرورت ایجاد یک نهاد فرعی مناسب در (CD) با مأموریت بررسی خلع سلاح هسته‌ای
۵. اصل برگشت‌ناپذیری خلع سلاح هسته‌ای، اقدامات مربوط به کاهش یا کنترل تسلیحات هسته‌ای
۶. تعهد کشورهای هسته‌ای به انهدام تمام زرادخانه‌های هسته‌ای خود به گونه‌ای که به خلع سلاح منجر شود.
۷. لازم‌الاجرا شدن و اجرای کامل معاهده استارت دو، انعقاد معاهده استارت سه، حفظ تقویت معاهده ضد موشک‌های بالستیک (ABM)
۸. تکمیل و اجرای ابتکار سه جانبه بین ایالات متحده روسیه و (ILEA)
۹. کشورهای هسته‌ای به منظور دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای، ثبات بین‌المللی و امنیت اقدامات ذیل را اتخاذ می‌کنند:
 - الف) کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای خود به صورت یک جانبه
 - ب) شفافیت در خصوص قابلیت‌ها و توان سلاح‌های هسته‌ای خود
 - ج) کاهش بیش‌تر وضعیت عملیاتی سیستم‌های سلاح‌های هسته‌ای
 - د) کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در سیاست امنیتی
 - ه) شروع هر چه سریع‌تر فرایند نابودی کامل سلاح‌های هسته‌ای خود
۱۰. توقف تولید پلوتونیوم از سوی کشورهای هسته‌ای و قرار دادن مواد شکاف‌پذیری که کاربرد نظامی ندارند، تحت نظارت (ILEA) برای مصرف در امور صلح‌آمیز
۱۱. خلع سلاح کامل و عمومی هسته‌ای که تحت کنترل موثر بین‌المللی باشد.
۱۲. ارائه گزارش منظم از سوی تمام اعضای (NPT) به کنفرانس‌های بازنگری در خصوص اجرای ماده ششم ۱۳ توسعه بیش‌تر قابلیت‌های نظارتی (IAEA)

ه) علل عدم موفقیت (NPT)

عدم موفقیت (NPT) مربوط به اشکالات و ضعف‌هایی است که عمدتاً ناشی از عدم ایفای تعهداتی است که دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای، بر طبق مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ بر عهده دارند این اشکالات عبارتند از:

۱. موارد نقض ناشی از مواد اول و دوم (NPT)

به دلیل فقدان تعریف از سلاح‌های هسته‌ای نمایندگان سنای ایالات متحده در هنگام تصویب این معاهده بیان کردند کشتی‌های پرتاب کننده موشک و زیردریایی هسته‌ای، سلاح هسته‌ای محسوب نمی‌شوند. به عبارتی سلاح‌های هسته‌ای فقط شامل بمب و کلاهک هسته‌ای می‌شوند. در ضمن (NPT) تفاوتی بین سلاح‌های هسته‌ای تهاجمی و تدافعی قائل نیست. از طرفی این معاهده مانع کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای برای انبار کردن تسلیحات خود در خاک سایر دولت‌ها نمی‌باشد به این شرط که حراست از آن تسلیحات را خود کشورهای تولید کننده تسلیحات هسته‌ای بر عهده داشته باشند. این معاهده باعث شده است که دولت‌های توسعه یافته (دارنده تسلیحات هسته‌ای) در مقابل دولت‌های در حال توسعه (فاقد دولت‌های هسته‌ای) قرار گیرند. این امر ناقض حقوق بین‌المللی مبتنی بر برابری دولت‌ها مذکور در بند ۱ ماده ۲ منشور (UN) است.

۲. موارد نقض ناشی از عدم رعایت ماده سوم (NPT)

به موجب ماده ۳ (NPT) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نظارت بر اجرای صحیح (NPT) را بر عهده دارد. ماده ۳ آن تی پی فقط وظیفه کنترل و نظارت را بر عهده آژانس انرژی اتمی گذاشته است و در خصوص نحوه اعمال آن رهنمودی نمی‌دهد، (مولایی، ۱۳۷۶: ۷۶) اما (IAEA) فقط بر فعالیت‌های هسته‌ای

صلح‌آمیز دولت‌های فاقد تسلیحات هسته‌ای نظارت می‌کند. در این راستا بعضی از کشورها در حال توسعه معتقدند که این نظارت‌ها مانع فعالیت‌های صلح‌آمیز کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای و در نهایت موجب برتری فنی قدرت‌های بزرگ هسته‌ای شده است. نظارت آژانس فقط محدود به مواد خام یا فرآورده‌های شکاف‌پذیری است که دولت‌ها از یکی از طرفین معاهده دریافت کرده‌اند. بنابراین اگر معلوم شود فعالیت‌های دولت‌ها در قلمرو فناوری هسته‌ای فقط در حد امور تحقیقاتی یا توسعه می‌باشد، نظارت آژانس متوقف می‌شود. بازرسان آژانس فقط می‌توانند خواستار اطلاعاتی شوند که منفعت بازرگانی نداشته باشد. به طور کلی در صورتی می‌تواند مانع عدم گسترش افقی و عمودی تسلیحات هسته‌ای شود که دولت‌های عضو با اصلاح مقررات آن متعهد شوند، در نظام‌های حقوقی ملی خود قوانینی تصویب کنند تا این که ساخت و استفاده از تسلیحات هسته‌ای را ممنوع سازد. از طرفی هرگونه تلاشی در این خصوص را مستلزم مجازات‌ها و عقوبت‌های شدید کیفی بدانند.

۳. موارد نقض ناشی از عدم رعایت ماده چهارم (NPT)

کشورهای جهان سوم معتقدند که دولت‌های توسعه‌یافته با توسل به (NPT) کشورهای در حال توسعه را از حق دستیابی به تکنولوژی پیشرفته هسته‌ای صلح‌آمیز که طبق ماده چهارم (NPT) باید از آن برخوردار باشند، محروم ساخته‌اند. این مسئله موجب نقض اصل اساسی (حق تعیین سرنوشت دولت‌ها) مذکور در منشور ملل متحد است که متضمن رعایت حقوق برابر دولت‌ها و ملت‌هاست. چون حق بر توسعه از جمله حقوقی است که همه دولت‌ها در استفاده از آن با هم مساوی هستند و باید برای رسیدن به آن همه کشورهای جهان همکاری کنند.

۴. موارد نقض ناشی از عدم رعایت ماده ششم (NPT)

به موجب ماده ۶ این معاهده هر یک از دولت‌های عضو متعهد می‌شوند تا مذاکرات مربوط به توقف جدی مسابقات تسلیحاتی و مسئله خلع سلاح هسته‌ای را با حسن نیت دنبال کند، اما (NPT) متأسفانه نتوانست مانع مسابقه تسلیحاتی دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای گردد. از طرفی (NPT) صرفاً بر عدم گسترش افقی سلاح‌های هسته‌ای تمرکز نموده است. در حالی که باید معاهداتی تصویب شود که برای عدم گسترش عمودی نیز گام بردارد.

قسمت سوم: معاهده منع آزمایشات هسته‌ای بالاتر از ۱۵۰ کیلو تن موسوم ((TTBT Threshold Test Ban Treaty)) (۱۹۷۴)

معاهده منع آزمایش هسته‌ای بالاتر از ۱۵۰ کیلو تن یا معاهده منع آزمایش آستانه در سوم ژوئیه ۱۹۷۴ بین ایالات متحده و شوروی امضا شد. طبق این معاهده دو ابرقدرت شرق و غرب متعهد به ممنوع و عدم انجام آزمایش تسلیحات هسته‌ای دارای قدرتی بیش از ۱۵۰ کیلو تن در زمین گردیدند. این معاهده نتوانست مانع و مسابقه تسلیحات هسته‌ای ابرقدرت‌ها گردد. برای این که محدودیت ۱۵۰ کیلو تن محدودیت زیادی نیست.

قسمت چهارم: معاهده انفجار هسته‌ای صلح‌آمیز موسوم به (Peaceful Nuclear) (PNET) (Explosion Treaty) (۱۹۷۶)

این معاهده در ۲۸ مه ۱۹۷۶ بین شوروی و ایالات متحده امضا گردید. طبق این معاهده تمام انفجارات هسته‌ای صلح‌آمیز انفرادی تا ۱۵۰ کیلو تن و انفجارات هسته‌ای گروهی تا ۷۵ مگا تن را محدود می‌کند. این معاهده متممی برای (TTBT) است. ویژگی مثبت این معاهده در خصوص قبول نظارت و بازرسی در محل سایت و

در خصوص آزمایشات هسته‌ای صلح‌آمیز است. این معاهده بر کاهش روند مسابقه تسلیحاتی تأثیر بسزایی گذاشت و سیستم عدم توسعه سلاح‌های هسته‌ای را با مشکل‌تر کردن آن برای کشورهای غیرهسته‌ای تقویت کرد.

قسمت پنجم: معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای موسوم به (CTBT) (۱۹۹۶)
پنج قدرت هسته‌ای جهان به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم تأسیس (IAEA) انعقاد معاهدات دو و چند جانبه ایجاد مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای و بالأخص تصویب (NPT) و پروتکل الحاقی آن این اقدامات مانع سایر کشورها از جمله هندوستان، پاکستان و رژیم صهیونیستی در دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نشده است. متن معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای که با وفاق و اکثریت تام کشورها تهیه شده بود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارجاع شد که به موجب قطعنامه ۵۰/۲۴۵ مورخ سپتامبر ۱۹۹۶ به تصویب رسید.

۳-۸ اقدامات سازمان ملل متحد بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

امروزه احتمال حملات تروریستی به دلیل کاربرد مواد هسته‌ای و شکاف‌پذیر در تمام زمینه‌های تحقیقاتی، پزشکی، کشاورزی و عدم محافظت فیزیکی از آنها بیش‌تر شده است. از طرفی فروپاشی شوروی و عدم محافظت کافی از مواد، تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای روسیه باعث شده است که این مواد و تجهیزات، تأسیسات و تسلیحات هسته‌ای به راحتی در دسترس تروریست‌ها قرار گیرد. به گونه‌ای که همین امر نیز احتمال وقوع حملات تروریستی را بیش‌تر کرده است. حادثه ۱۱ سپتامبر به این احتمال حدت و شدت بیشتری بخشیده است. در این راستا نقش سازمان‌های بین‌المللی بالأخص سازمان ملل متحد و آژانس انرژی اتمی بسیار حائز اهمیت است.

۸-۴ اقدامات مجمع عمومی

دبیر کل ملل متحد طی اظهارنظرهایی در روز ۱۳ سپتامبر صراحتاً حملات تروریستی را (جنایت علیه بشریت) خواند (امینی‌نیا، ۱۳۹۴) و اعلام کرد حمله تروریستی به یک کشور حمله به کل بشریت است. دبیرکل ملل متحد (کوفی عنان) در اول اکتبر ۲۰۰۱ در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید بر حرکتی مستمر و طولانی مدت از سوی جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی نمودند. در ادامه دبیر کل (UN) برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی راهکارهایی را ارائه کردند که به قرار ذیل است: (ما بایستی کنترل‌های ویژه و کارآمدی بر سلاح‌های هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی و سایر تسلیحات مورد علاقه تروریست‌ها داشته باشیم تا جلوی رבוده شدن، قاچاق و ارائه داوطلبانه آن‌ها به گروه‌ها و شبکه‌ای تروریستی گرفته شود. در این راستا باید اقدامات عاجلی برای از بین بردن مین‌های زمینی، سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و تولیدات مواد شیمیایی و میکروبی نماییم و هم‌زمان در راستای تقویت حفاظت فیزیکی از مواد، تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای و شیمیایی گام برداریم تا در برابر حملات تروریستی مقاوم باشند. به این ترتیب دبیر کل سازمان ملل متحد در اکتبر ۲۰۰۱ یک کارگروه سیاست‌گذاری درباره سازمان ملل متحد و تروریسم را تشکیل دادند تا آثار طولانی مدت و پایدار و اقدامات خاص لازم برای تقویت همکاری بین‌المللی برای مبارزه با تمام شیوه‌های توسل به تروریسم را شناسایی کند. هم‌چنین دبیرکل در هنگام دریافت جایزه صلح نوبل در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۱ در خصوص نقش دیپلماسی پیشگیرانه (دیپلماسی پیشگیرانه یعنی استفاده از روش‌های دیپلماتیک برای پیشگیری از بروز اختلافات، تشدید اتلافاتی که به تعارضات مسلحانه منجر می‌گردند، باعث گسترش تعارضات و مخاصمات مسلحانه می‌شوند.) به منظور

مقابله جدی با تمام شیوه‌های توسل به تروریسم بین‌المللی، به ریشه و علل تروریسم بین‌المللی اشاره کردند و بیان فرمودند که در این راستا به عواملی نظیر: (فقرزدایی، جلوگیری از منازعات داخلی و ترویج دموکراسی توجه خاصی شود. برای این که این عوامل منشأ پدیده تروریسم یا موجبات رشد تروریسم در جهان هستند) بررسی صلاحیت مجمع عمومی یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است که دولت‌های عضو سازمان ملل متحد در آن حداکثر پنج نماینده دارند.

۵-۸ اختیارات و وظایف مجمع عمومی طبق منشور عبارتند از:

۱. رسیدگی به اصول کلی حاکم بر حفظ صلح و امنیت، بین‌المللی از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات

۲. جلب کردن توجه شورای امنیت به وضعیت‌هایی که احتمال دارد صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره بیندازد. ۳. بررسی گزارش‌های سالانه و مخصوص شورای امنیت درباره اقداماتی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام داده است.

مجمع عمومی شبیه به مجلس قانون‌گذاری در کشورهاست. به این ترتیب برای پرداختن به صلاحیت عمومی برای رسیدگی به مسئله تروریسم هسته‌ای نظر به این که تروریسم هسته‌ای مغایر صلح و امنیت بین‌المللی و موازین حقوق بشر است و این که مجمع عمومی می‌تواند در این خصوص با تصویب قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌ها اسنادی را تدوین کند تا سایر دولت‌ها طبق آن‌ها با تروریسم به طور کلی و تروریسم هسته‌ای به طور خاص مقابله نمایند. می‌توان گفت مجمع عمومی در این مورد صلاحیت عام دارد. مجمع عمومی مرکز هماهنگی بین‌المللی با مقبولیت جهانی است و تمام دولت‌های عضو برای مقابله با تروریسم در آن با یکدیگر هماهنگی ندارند. مجمع عمومی وظیفه تدوین حقوق بین‌الملل را در این حوزه دارد. مجمع عمومی در اجلاس ۲۷

فوریه خود با تصویب قطعنامه ۳۰۳۴ خواستار تشکیل کمیته ویژه‌ای گردید تا در خصوص تروریسم و نحوه مبارزه با آن گزارشی به اجلاس ۲۸ مجمع عمومی ارائه دهد. بر این اساس سه کمیته فرعی زیر تشکیل گردیدند: ۱. کمیته تعریف تروریسم ۲. کمیته بررسی علل و موجبات تروریسم ۳. کمیته طرح تدابیری برای جلوگیری از تروریسم. متعاقب آن مجمع عمومی قطعنامه ۴۴/۲۹ را در ۴ دسامبر ۱۹۸۹ تصویب نمود که بر مشروعیت نهضت‌های رهایی بخش ملی تأکید کرده بود. به این ترتیب تروریسم به عنوان یک جرم جنایی و عمل کیفی شناخته شد که غیر قابل توجیه است. سپس مجمع عمومی بر اساس قطعنامه ۵۱/۲۱۰ مورخ دسامبر ۱۹۹۶ تأسیس کمیته ویژه تروریسم را پیش‌بینی کرد (G/A/Res. ۵۱/۲۱۰, Measures to Eliminate International Terrorist). قطعنامه‌های مجمع عمومی بر خلاف کنوانسیون‌های مجمع عمومی که به موضوع خاص از جرائم بین‌المللی تروریستی اشاره دارند به طور کلی تمام شیوه‌ای توسل به عملیات تروریستی را در تمام نقاط جهان به طور عام محکوم می‌کند. به طور کلی کنوانسیون‌هایی که تا سال ۲۰۰۶ برای مقابله با تروریسم به وسیله مجمع عمومی تصویب شده‌اند، در برگیرنده قواعد و مقررات بین‌المللی ذیل هستند:

۱. مجرمانه تلقی کردن حمله یا اشغال غیرقانونی هواپیما و کشتی
۲. جلوگیری و مجازات جرائم ارتكابی علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی بالأخص نمایندگان، دیپلمات‌ها و کارکنان سازمان ملل متحد
۳. مجرمانه تلقی کردن هرگونه گروگان‌گیری و به کارگیری ابزارهای خطرناک و نامشروع در عملیات تروریستی

۴. مجرمانه بودن تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی

۵. جلوگیری و منع اقدامات تروریستی هسته‌ای.

سایر اسناد مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص مقابله با تروریسم به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به اقدامات تروریستی علیه وسایل حمل و نقل معین (امنیت هوایی و دریایی).

۲. کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر اقدامات تروریستی علیه دسته‌ای خاص از اشخاص مورد حمایت بین‌المللی

۳. کنوانسیون بین‌المللی مربوط به استفاده از مواد یا وسایل معینی در حملات تروریستی

۴. کنوانسیون بین‌المللی مربوط به جلوگیری از تأمین مالی تروریسم بین‌المللی.

۸-۶ اقدامات شورای امنیت:

جز اول: بررسی صلاحیت شورای امنیت برای مقابله با تروریسم هسته‌ای

شورای امنیت سازمان ملل متحد مشروعیت خود را از سند موسس سازمان ملل متحد یعنی منشور ملل متحد کسب می‌کند. شورای امنیت به موجب ماده ۲۴ منشور مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. (امینی‌نیا، ۱۳۹۴) در واقع منشور یک سیستم نظم عمومی را در سطح بین‌المللی ارائه می‌دهد که شورای امنیت در حقیقت عامل اجرایی این سیاست است و باید در محدوده اختیاراتی حرکت کند که دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به موجب منشور به آن اعطا کرده‌اند. خطوط اصلی اختیارات شورای امنیت در فصل هفتم منشور به طور پراکنده گنجانده شده است. نکته مهم در مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات شورای امنیت این است که شورای امنیت در حین اجرای وظایفش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باید در مقام دفاع از جامعه بین‌المللی فعالیت کند نه احقاق حق دولت قربانی تجاوز. به عبارتی مسئله

مهم برای سازمان ملل متحد و شورای امنیت تنبیه کردن دولت متجاوز نیست، بلکه پایان دادن به اخلال در نظم عمومی بین‌الملل است که در ادامه آن امکان دارد صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد. شورای امنیت تا قبل از ۱۱ سپتامبر چه در دوران جامعه ملل و چه در دوران سازمان ملل متحد به تروریسم بیشتر با نگاه سنتی نگریسته است، اما واقعه ۱۱ سپتامبر این نوع نگرش را دچار دگرگونی نمود.

جز دوم: بررسی مصوبات شورای امنیت: شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پیشگیری و مقابله با تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر دو قطعنامه خیلی مهم ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ را صادر نمود و به تازگی نیز قطعنامه ۱۸۸۷ را صادر نموده است. در این قسمت به بررسی اجمالی این سه قطعنامه خواهیم پرداخت.

قسمت اول: قطعنامه ۱۳۶۸ (۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱) (S/Res/1368, 12 Sep 2001) شورای امنیت در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ یعنی یک روز پس از حادثه تروریستی حمله به برج‌های دوقلو و ساختمان تجارت جهانی در ایالات متحده تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۱۳۶۸ به اتفاق آرا (از جمله رأی مثبت چین) تصویب نمود. در این قطعنامه شورای امنیت ضمن محکوم کردن اعمال تروریستی فوق در ایالات متحده اعلام نمود که این اقدامات تروریستی مانند هر عمل تروریستی دیگر تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است و حق دفاع فردی و جمعی از خود را برای دولت‌ها به رسمیت می‌شناسد. مهم‌ترین ویژگی قطعنامه ۱۳۶۸ تأکید شورای امنیت بر شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی طبق ماده ۵۱ منشور (حق دفاع مشروع) برای آمریکاست. (عاطفه امینی‌نیا، ۱۳۹۴) دیگر این که شورای امنیت آمادگی خود را برای برداشتن گام‌های موثر و شروری در پاسخ به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و مبارزه با تمام شیوه‌های توسل به تروریسم

(حتی تروریسم هسته‌ای) با مسئولیت خود در چارچوب منشور ملل متحد اعلام می‌کند. یعنی شورای امنیت در مبارزه با تروریسم اتخاذ و به کارگیری هرگونه تدبیر و اقدام مقتضی را مجاز دانسته است (بند ۵) ایالات متحده و متحدان آن طبق همین بند تحت عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه به افغانستان حمله کردند. قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱) شورای امنیت چهارده روز پس از قطعنامه اول قطعنامه ۱۳۷۳ را تصویب کرد. این قطعنامه از لحاظ گستره، دامنه و عمومیت آن مهم‌ترین قطعنامه شورای امنیت در خصوص مقابله با تروریسم بین‌المللی تلقی گردیده است. برای این‌که اصول نوینی را برای شورای امنیت (به طور خاص) و سازمان ملل متحد به طور عام تدوین نموده است. در این راستا شورای امنیت در این قطعنامه از تمام کشورها حتی کشورهای که کنوانسیون مربوط به مقابله با اقدامات بمب‌گذاری تروریستی (از کنوانسیون دوازده‌گانه) را تصویب نکرده باشد را موظف به اجرای بخش عمده تمهیدات این قطعنامه نموده است. شورای امنیت این قطعنامه را طبق فصل هفتم منشور تصویب نموده است و طبق ماده ۲۵ آن تکالیفی را برای دولت‌ها مقرر نموده و به منظور نظارت بر مصوبات این قطعنامه و بر اساس گزارش‌های ارسالی از دولت‌ها به کمیته ضد تروریسم با همکاری کارشناسان کمیته‌ای را نیز تأسیس کرد. (نمایان، ۱۳۸۹: ۷۹۹) به این ترتیب از دولت‌های عضو درخواست نمود تا نتیجه اقدامات خود را حداکثر تا ۹۰ روز دیگر به این کمیته گزارش دهند. تکالیفی که دولت‌ها طبق این قطعنامه باید بر عهده گیرند عبارتند از:

۱. از تأمین مالی اقدامات تروریستی در قلمرو خود جلوگیری کنند.
۲. هرگونه کمک مالی به اقدامات تروریستی را جرم بشناسند.

۳. منابع مالی گروه‌ها و افرادی که به نحو در فعالیت‌های تروریستی دخالت دارند را مصادره نمایند.

۴. اتباع خود و هر شخص و گروهی را از کمک مالی و اقتصادی، به گروه‌های دخیل در اقدامات تروریستی منع نمایند.

۵. منابع تأمین تسلیحات تروریست‌ها را از بین ببرند (جلوگیری از جرائم سازمان یافته) در ضمن شورای امنیت در این قطعنامه از تمام دولت‌ها می‌خواهد: نگذارند گروه‌های تروریستی از قلمرو آن‌ها به عنوان مکانی امن استفاده نمایند. طبق قانون داخلی خودشان تمام اشخاص متهم به ارتکاب برنامه‌ریزی، تأمین مالی، حمایت از گروه‌های تروریستی را محاکمه نمایند. هر چه سریع‌تر کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط با تروریسم، از جمله کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب تأمین مالی تروریسم مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹ را تصویب نمایند یا به آن‌ها ملحق شوند. اتخاذ تدابیری مناسب طبق موازین حقوق بین‌الملل از جمله رعایت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، قبل از اعطای پناهندگی به افراد پناه‌جو و تسهیل استرداد متهمان. عدم توسل به سیاسی بودن جرم متهمان. دولت‌ها ملزم شدند که حداکثر ظرف ۹۰ روز گزارشی از اقدامات خود را کمیته‌ای ارائه دهند که به همین منظور به وسیله شورای امنیت تأسیس شده است. با بررسی حقوقی این قطعنامه به این نتیجه می‌رسیم که شورای امنیت در واقع با تفسیر موسعی که از منشور ملل متحد نموده است به گونه‌ای در خصوص استرداد و پناهندگی و... به گونه‌ای اقدام به (قانون‌گذاری بین‌المللی نموده است) نظر به این‌که مقررات قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت کلی هستند و تمام شیوه‌های توسل به تروریسم از جمله تروریسم هسته‌ای را نیز در برمی‌گیرند. بنابراین این دو سند نیز در زمره اسناد بین‌الملل برای مقابله

به تروریسم هسته‌ای قرار می‌گیرند. به طور کلی از ۱۱ سپتامبر تا به حال شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۱ قطعنامه در خصوص تروریسم صادر کرده است. یکی از مهم‌ترین و جدیدترین قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۸۸۷ (۲۰۰۹) است.

قسمت دوم: قطعنامه ۱۸۸۷ (۲۴ دسامبر ۲۰۰۹) این قطعنامه در جلسه ۶۱۹ شورای امنیت مورخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ تصویب گردید. شورای امنیت در ابتدا خواستار ایجاد دنیایی امن‌تر و شرایطی شده است که با توجه به اهداف منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای موسوم به (NPT) جهانی بدون سلاح‌های هسته‌ای با هدف ارتقای ثبات و امنیت بین‌المللی برای همه فراهم گردد.

۹. کاربرد سلاح‌های هسته‌ای به عنوان یک جنایت بین‌المللی

بیشترین الزام حقوقی و آخرین گام در فرایند توسعه رژیم‌های حقوق کیفری، مرحله جرم‌انگاری است. بدین معنی که اقداماتی که منحل نظم اجتماعی و امنیت حیات جمعی بوده و خطر تهدید منافع جمعی را به شدیدترین حالت به همراه دارند بایستی از سوی قانون‌گذار به عنوان یک جرم شناخته شده و شدیدترین واکنش جمعی در قبال ارتکاب آن صورت می‌گیرد. اصولاً در حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی هر فعل و ترک فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است جرم است. از این رو جرم رفتاری است که قابل مجازات باشد. بنابراین به صرف این‌که رفتاری ممنوع باشد آن عمل را نباید جرم دانست باید ممنوعیت رفتار توأم با ضمانت اجرای کیفری باشد تا آن عمل جرم تلقی شود به عبارت دیگر فرد رفتاری مرتکب شود که قانون‌گذار برای ارتکاب آن مجازات تعیین کرده است. از این رو قواعد مربوط به جرم‌انگاری واجد دو ویژگی مهم هستند. اولاً این‌که ویژگی‌های رفتاری را که در نهایت

جرم تلقی شود را تعیین می‌کنند. ثانیاً بحث مجازات چنین رفتارهایی را مطرح می‌کنند. این دو ویژگی هم‌چنین در عرصه قواعد کیفری بین‌المللی مطرح بوده و در تبیین مفهوم جنایت بین‌المللی و احراز وجود قاعده کیفری و تعریفی که از مفهوم جنایت بین‌المللی ارائه می‌شود، بایستی به ویژگی‌های اساسی قاعده کیفری بین‌المللی یعنی ارتکاب رفتار ممنوعه و قابل مجازات بودن آن توجه داشت. در نقطه برابری تعریف متعدد از مفهوم جنایات بین‌المللی آن عبارت است از فجیع‌ترین و شنیع‌ترین رفتار اجتماعی که شدت زیان اساسی آن به جامعه بین‌المللی به حدی است که به دلیل خدشه به نظم عمومی بین‌المللی و صلح و امنیت بشری جامعه بین‌المللی در قبال آن واکنش شدید از خودشان داده و آن را به دلیل نقض فاحش و شدید تعهدات و ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی متصف به این عنوان جنایت بین‌المللی نموده است. ماهیت همه جنایات و تعاریف آن‌ها نشان می‌دهد که همه مبنای دگرترین ویژه وجود ندارد که مبنای حقوقی دقیق برای درج یک عمل معین در گروه جنایات بین‌المللی باشد. تنها مبنایی که برای جرم‌انگاری وجود دارد عملی و تجربی است. با وجود این رویکرد تجربی به جنایات بین‌المللی نیز برای درج یک عمل درست جنایات بین‌المللی آن عمل بایستی شامل عنصر ملی یا شامل عناصر بین‌المللی باشد. بر طبق مواد مطروحه مسئله جرم‌انگاری مستقیم کاربرد سلاح‌های هسته‌ای نیازمند انطباق کاربرد سلاح‌های هسته‌ای با ملاک‌های احراز وقوع جنایات بین‌المللی (نقض قواعد آمره و برهم خوردن نظم عمومی بین‌المللی) و وجود سه عنصر لازم برای شکل‌گیری جنایات بین‌المللی (عنصر مادی، معنوی و قانونی) در این زمینه می‌باشد. (سلیمانی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۷۵) کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ مکرراً موضوعش را در خصوص سلاح‌های هسته‌ای عنوان نموده و

بیان داشته که سلاح‌های هسته‌ای حیات غیرنظامیان و نهایتاً آینده بشریت را به خطر می‌اندازد. (سلیمانی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۷۷)

۱۰. حق دفاع مشروع در چارچوب مبارزه با تروریسم

طبق بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد «کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری و یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.» اما دو استثنا بر منع توسل به زور وجود دارد:

طبق ماده ۴۲ منشور ملل متحد «در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می‌تواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت ورزد. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای دریایی، هوایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.»

حق دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است و بر اساس آن کشورها می‌توانند از خود و از کشورهایی که با آنها وابستگی سیاسی و امنیتی دارند در مقابل حمله مسلحانه به اقدام فوری نظامی مبادرت ورزند. (سروش‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۰) بر طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود (دفاع مشروع)، خواه به طور فردی و خواه دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش

دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقعی که ضروری تشخیص دهد، اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.»

۱۰-۱ چستی و ماهیت دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از سوی قدرت‌های پیروز جنگ تأسیس گردید تا از یک طرف سازوکاری جهت استقرار و تحکیم نظم و امنیت جهانی باشد و از طرف دیگر مجمعی باشد برای این که کشورها در آن اختلافات خود را، به دور از توسل به زور و از طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند. منشور ملل متحد به ممنوعیت توسل به زور (بند ۴ ماده ۲) تصریح داشته و برای تضمین آن و مقابله با جنگ و تجاوز، دفاع مشروع (ماده ۵۱) و اقدام نظامی تحت سیستم امنیت دسته جمعی ملل متحد (ماده ۴۲) را مجاز و به رسمیت شناخته است. (کنگاورانی، hoghghdan)

مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، همانند دفاع مشروع در حقوق داخلی بوده که در نبود فرصت برای توسل به قانون، به قربانی تجاوز حق می‌دهد تا به فوریت با توسل به زور به دفاع از خود و سرکوب تجاوز بپردازد. در حقوق داخلی دفاع مشروع استثنایی بر قاعده است، ولی در حقوق بین‌الملل به دلیل فقدان یک قدرت فراملی و یک نیروی اجرایی مافوق دولتی، دفاع مشروع یک قاعده است که خود استثنایی بر قاعده منع توسل به زور و تحریم جنگ می‌باشد.

مع ذلک توسل به زور در حالت دفاع مشروع که منوط به وقوع تجاوز یا حمله مسلحانه طبق قطعنامه تعریف تجاوز مورخ ۱۹۷۴ مجمع عمومی می باشد، مشمول شرایط ذیل می باشد:

۱- ضرورت واکنش قهرآمیز باید فوری، عظیم، بدون هیچ راه حل دیگر و بدون فرصتی برای مذاکره باشد.

۲- استفاده از زور منحصرأ باید به منظور دفع حمله نظامی کشور متجاوز صورت گیرد.

۳- زور اعمال شده باید متناسب با دفع تجاوز باشد.

۴- استفاده از زور باید به محض این که تجاوز دفع شد یا شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل آورد خاتمه یابد.

کشورهایی که مبادرت به دفاع مشروع می کنند، باید اصول بنیادین حقوق بشردوستانه Humanitarian Law را رعایت نمایند.

آنچه مسلم است در بحث دفاع مشروع اگر دفاع در مقابل تجاوز از حد مقرر و معین تجاوز نماید، خود آن دفاع نامشروع است و نه مشروع و قانونی، که از آن به نظریه «تجاوز از دفاع مشروع» تعبیر می کنند؛ لذا چنانچه عملیات دفاعی، از نظر کمیت و کیفیت بیش از دفاع باشد، در این صورت مصداق تجاوز از دفاع مشروع است. در دفاع مشروع به لحاظ حقوقی و فقهی، عناصری باید موجود باشد که یکی از آن عناصر این است که دفاع مورد نظر باید به جهت دفع باشد، فلذا به محض دفع تجاوز، دیگر دفاع نیست، بلکه کیفر و مجازات است. بنابراین ممکن است شخص مهاجم پس از اتمام تجاوز دستگیر و کیفر شود، اما این کیفر مجازات اوست و دیگر دفاع محسوب نمی شود.

هم چنین دفاع مذکور باید متناسب با تجاوز مورد نظر باشد. در دفاع مشروع میان تجاوز و دفاع باید تناسب وجود داشته باشد. به عنوان مثال اگر کسی

قصد زدن سیلی به شخص دیگری داشته باشد و طرف مقابل او را بکشد، این دفاع نیست، بلکه تجاوز از دفاع است. پاسخ سیلی، سیلی است. پروتکل شماره یک ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ دارای ماده بسیار با اهمیتی است و آن ماده ۵۷ است که در آن رعایت اصل احتیاط در اتخاذ تصمیم برای حمله مورد تأکید قرار گرفته است. در این ماده آمده است که اگر شکی وجود داشته باشد که یک حمله ممکن است اثرات سوئی برای افراد غیرنظامی به دنبال داشته باشد و اصل تناسب رعایت نشود، یعنی بین هدفی که دنبال می‌شود و وسایل و ابزارهای نظامی که به کار گرفته می‌شود، تناسب وجود نداشته باشد، باید از دستور حمله خودداری شود. جالب اینکه یکی از دلایل امتناع آمریکا از عضویت در این پروتکل وجود همین ماده ۵۷ می‌باشد. بدیهی است توسل به اعمال خشونت‌آمیز کور و نامتمایز (عدم تفکیک و تمایز بین اهداف و افراد نظامی و غیرنظامی) که باعث ایجاد رعب و وحشت شود، خواه توسط دولت‌ها یا ارگان‌ها و نهادهای وابسته به آن و خواه از سوی گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، مغایر با بسیاری از موازین بین‌المللی، از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی و میثاقین بین‌المللی حقوق بشر، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اصول نورنبرگ و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ می‌باشد.

۱۰-۲ دفاع مشروع و توسل به زور در مقابله با تروریسم

جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم از ابزارهای مختلفی برخوردار است، این ابزارها شامل اقدامات قهری و غیرقهری، در سرکوب یا پیشگیری از اقدامات تروریستی می‌باشند. فعالیت‌های اطلاعاتی جهت شناسایی، دستگیری و در صورت لزوم استرداد مرتکبین به اقدامات تروریستی و محاکمه آنان در

محاكم ملی و بین‌المللی، اقدامات مداخله‌گرایانه در امور سایر کشورها، اقدامات تلافی‌جویانه و دفاع مشروع از جمله روش‌هایی است که کشورها به عنوان مبارزه با تروریسم اعمال کرده‌اند. در ذیل به بررسی ابعاد حقوقی مقابله با تروریسم می‌پردازیم.

در گام اول می‌بایست اثبات گردد که آیا اعمال تروریستی «تجاوز مسلحانه» یا «حمله مسلحانه» در مفهوم ماده ۵۱ منشور ملل متحد محسوب می‌شود یا خیر؟ اسرائیل، ایالات متحده و آفریقای جنوبی بر اساس تفسیر موسع از دفاع مشروع به این سوال پاسخ مثبت داده‌اند. این کشورها در گذشته چنین استدلال می‌کردند که آن‌ها می‌توانند در پاسخ به این‌گونه حملات، با هدف قرار دادن پایگاه‌های تروریست‌ها در کشور میزبان، در قالب دفاع مشروع متوسل به زور شوند. استدلال مذکور در توسل به دفاع مشروع مبتنی بر این اصل است که این‌گونه کشورها با پناه دادن به سازمان‌های تروریستی به گونه‌ای تروریسم را تقویت کرده یا حداقل تحمل می‌کنند، پس آن‌ها «شریک جرم» هستند. آن‌ها مسئول اقدامات معروف به تجاوز مسلحانه غیرمستقیم می‌باشند، اما اکثر کشورها با این دیدگاه موافق نبوده و مورد پذیرش قرار نگرفت. به علاوه اقدامات تلافی‌جویانه مسلحانه چه علیه کشورها و چه علیه سازمان تروریستی در واکنش به استفاده از زور در مقیاس کوچک و فاقد وصف «حمله مسلحانه» غیرقانونی اعلام گردید.

به طور کلی در خصوص تفسیر ماده ۵۱ منشور ملل متحد دو دیدگاه موسع (extensive) و مضیق (restrictive) وجود دارد. در تفسیر مضیق از دفاع مشروع، این حق به عنوان استثنایی بر اصل عدم توسل به زور توسط کشورها می‌باشد که بر اساس منشور ملل متحد صرفاً و فقط چنانچه (حمله نظامی) انجام

شود، قابل اعمال است. به این معنا که حق دفاع مشروع در مقابل اقدام خصومت‌آمیزی که تشکیل حمله نظامی را نمی‌دهد، وجود ندارد، اگرچه در مقابل چنین اقداماتی واکنش‌های غیرنظامی اعمال خواهد شد.

هم‌چنین تفسیر مضیق از مفهوم دفاع مشروع، پیش‌دستی در دفاع، به صورت دفاع ابتدایی یا پیشگیرانه در مقابل تهدید به حمله‌ای منتهی به حمله نظامی نمی‌شود را، مجاز ندانسته، بر این اساس که ماده ۵۱ تصریح دارد که دفاع مشروع فقط در زمانی قابل اعمال است که حمله نظامی رخ داده باشد.

کسانی که قائل به تفسیر موسع از مفهوم دفاع مشروع هستند، معتقدند که دفاع مشروع صرفاً در مقابل (حمله نظامی) مندرج در ماده ۵۱ منشور قابل اعمال نیست، بلکه در مقابل حمله احتمالی یا حمله‌ای هم که به حمله نظامی منتهی نمی‌شود، نیز جایز خواهد بود. طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که تدوین دفاع مشروع در ماده ۵۱ به این دلیل نبوده که دفاع مشروع مندرج در منشور، جایگزین دفاع مشروع در حقوق عرفی پیش از منشور شود و درج عبارت حق «ذاتی» در ماده ۵۱ نیز مبین همین امر است. برخی از کشورها بر اساس تفسیر موسع از حق دفاع مشروع، اقدامات ضد تروریستی با روش‌های زورمندانه و به شکل اقدامات تلافی‌جویانه، دفاع ابتدایی یا پیشگیرانه، مداخله و یا اقدامات متقابل نظامی را با استناد به ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع قلمداد کرده‌اند. این کشورها اعمال تروریستی، یا خطر آن را، برابر با «حمله مسلحانه» مندرج در ماده ۵۱ منشور دانسته و دفاع مشروع را جایز شمرده‌اند.

تا قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت برای مقابله با تروریسم، به عنوان این‌که بر اساس ماده ۲۴ منشور مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد از ترتیبات فصل ۷ منشور، از جمله تحریم اقتصادی استفاده

می‌نمود. مع‌ذکب واقعه ۱۱ سپتامبر تحول بسیار مهمی را لااقل بر اساس حقوق منشور ملل متحد به دنبال دارد. تا این تاریخ شورای امنیت برای مقابله با تروریسم از ابزارهای غیرقهرآمیز یا به عبارت دیگر ابزارهایی که توسل به زور را به دنبال ندارد، استفاده می‌کند، ولی حادثه ۱۱ سپتامبر راه را برای استفاده از زور جهت مقابله با تروریسم هموار نمود.

در مورخ ۱۲ سپتامبر شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آراء قطعنامه‌ای (قطعنامه ۱۳۶۸) را درباره حملات تروریستی به تصویب رساند. این قطعنامه، مبهم و دارای تناقض است. در مقدمه آن، حق دفاع فردی و جمعی به رسمیت شناخته شده است، اما در پاراگراف اول، حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را «تهدیدی علیه صلح» تلقی کرد نه یک «حمله مسلحانه» که به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد مبادرت به دفاع مشروع را مشروعیت می‌بخشد.

در همین روز شورای آتلانتیک شمالی موسوم به ناتو با استناد به ماده ۵ اساسنامه ناتو که در صورت حمله به یکی از اعضای این پیمان، حق دفاع مشروع جمعی را مقرر می‌دارد، بیانیه‌ای را تصویب کرد. به این ترتیب ناتو راه حل مبتنی بر ماده ۵۱ منشور را انتخاب نموده و این شیوه را بر شیوه توسل به زور به صورت متمرکز و تحت اختیار شورای امنیت ترجیح دادند.

بنابراین به نظر می‌رسد که ظرف چند روز عملاً تمامی کشورها (کلیه اعضای شورای امنیت به علاوه اعضای ناتو و سایر کشورهای دیگری که به امر توسل به ماده ۵۱ اعتراض نکرده‌اند). حمله تروریستی از سوی یک سازمان تروریستی را مشابه عمل تجاوز مسلحانه از سوی یک کشور تلقی کردند که این نوع تلقی به کشور قربانی اجازه دفاع مشروع فردی و به کشورهای ثالث اجازه دفاع مشروع جمعی (طبق درخواست کشور قربانی) را می‌دهد.

به نظر می‌رسد که گستردگی حمله تروریستی به نیویورک و واشنگتن باعث بوجود آمدن یک «عرف آنی» (Instant Custom) یعنی شکل‌گیری فوری یک قاعده عرفی که دامنه مفهوم دفاع مشروع مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد و نیز قواعد مربوطه موجود در حقوق عرفی را گسترش داده، شده باشد. تا قبل از ۱۱ سپتامبر، دفاع مشروع فقط علیه دولت‌ها و تحت شرایط مذکور در فوق مجاز بود. در نتیجه هدف مشخص بود: دولت متجاوز، مقصود از آن نیز روشن بود: دفع تجاوز. بنابراین طول دوره اقدام مسلحانه در دفاع مشروع نیز کاملاً معلوم بود: تا پایان تجاوز. اما ۱۱ سپتامبر تمام این شرایط را دچار ابهام نمود. مشکلاتی در ارتباط با هدف دفاع مشروع، زمان آن، طول دوره آن و ابزارهای مجاز برای اعمال آن به وجود می‌آید.

مسئله «هدف» اقدام مسلحانه در دفاع مشروع دو مشکل بعدی به وجود می‌آورد. مشکل اول این است که در حالی که در دفاع مشروع «کلاسیک» هدف، کشور متجاوز بود، اما اکنون سازمان تروریستی است که هدف قرار می‌گیرد. در پی آن این طور استنباط می‌شود که ممکن است توسل به زور علیه سرزمین دولت پناه دهنده به چنین سازمان‌هایی صورت گیرد. نقض حاکمیت آن دولت به دلیل مساعدت و معاونت در تروریسم یا به عبارت دیگر نقض تعهد بین‌المللی مذکور در قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل که به موجب آن‌ها هر دولتی موظف است از سازماندهی، تهییج، مساعدت یا مشارکت در اعمال تروریستی در کشور دیگر یا سکوت در برابر فعالیت‌های سازمان یافته در داخل قلمرو آن در راستای ارتکاب این‌گونه اعمال اجتناب نمایند، از لحاظ حقوقی مجاز می‌باشد. بنابراین مساعدت و معاونت تروریسم بین‌الملل برابر است با «حمله مسلحانه» که توسل به زور در قالب مشروع را مشروعیت می‌بخشد.

مشکل دوم به مجموعه‌ای از دولت‌های هدف مربوط می‌شود. می‌دانیم که کل شبکه تشکیلات تروریستی که گفته می‌شود مغز متفکر حمله ۱۱ سپتامبر بوده و آن را سازماندهی کرده است در بیش از ۶۰ کشور پراکنده هستند. آیا ممکن است که همه این کشورها هدف اقدام مسلحانه قرار بگیرند؟ به طور حتم جواب این سوال منفی است، در غیر این صورت درگیری مسلحانه احتمالاً به جنگ جهانی سوم منجر خواهد شد.

اما چگونه می‌توان تعداد این کشورها را محدودتر کرد به گونه‌ای که توسل به زور در قالب دفاع مشروع علیه آن‌ها مشروعیت داشته باشد؟ به علاوه، دفاع مشروع سنتی یا «کلاسیک» باید واکنش فوری در برابر تجاوز باشد و با گذشت زمان، اقداماتی تحت اختیار شورای امنیت سازمان ملل باید جایگزین دفاع مشروع گردد. هم‌چنین دولت قربانی نمی‌تواند به اقدامات تلافی‌جویانه مسلحانه متوسل شود، چون این‌گونه اقدامات مغایر با حقوق بین‌الملل می‌باشند، اما به نظر می‌رسد که در قضیه مورد بحث، کشورها واکنش تأخیری را پذیرفته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

رییس سابق سازمان جاسوسی فرانسه (کنت دمارانش) در کتاب جنگ جهانی چهارم دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت در مورد تروریست‌ها می‌نویسد: تروریست‌ها آخرین رمانتیک‌هایی هستند که از طریق عقاید پیچیده خود که با خشونت همراه است و به هدف کمک می‌کند عمل می‌کنند. نیروی انسانی و پول کمی لازم است تا یک اقدام تروریستی انجام پذیرد با این وجود، نتایج یک اقدام از این دست می‌تواند به اندازه بزرگترین حمله نظامی که توسط یک واحد جنگجوی مسلح از لشگرهای زره پوش انجام می‌شود مهلک و خطرناک باشد. (دمارانش، ۱۳۸۰: ۷) انسان‌ها در سراسر تاریخ، در دوره‌های گوناگون ترور و تروریسم را تجربه کرده و در پی مقابله و مبارزه با آن برآمده‌اند. گروه‌های تروریستی در دوره‌های با اهداف و انگیزه‌های متفاوت سیاسی، عقیدتی و مذهبی گاهی جان یک نفر گاهی جان چند صد نفر می‌گیرند. در هر دوره به تناسب انگیزه و هدف و مکان و زمان از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌نمایند. با پیشرفت تکنولوژی و فناوری تروریست‌ها نیز مطابق زمان و تکنولوژی از انواع تجهیزات ترور مانند ترور شیمیایی، ترور میکروبی و ترور هسته‌ای استفاده می‌نمایند و موجب وحشت جهانیان می‌شوند. کشورها سعی می‌کنند با مشارکت یکدیگر و اتخاذ تصمیماتی به مبارزه با تروریسم پردازند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ وقتی برج‌های دوقلوی آمریکا مورد حمله تروریستی قرار گرفت و جان صدها نفر را گرفت و جهانیان متوجه شدند که هیچ کشوری حتی کشور ابرقدرتی مانند آمریکا نمی‌تواند از حمله تروریستی در امان باشد. سازمان ملل متحد از ابتدای تأسیس در تلاش برای مقابله و مبارزه با تروریسم برآمده است. هر چند صدور قطعنامه و تأسیس نهادها و تصویب معاهدات نشان از موفقیت‌هایی در عرصه

مبارزه با تروریسم دارد اما به دلیل نبود یک تعریف حقوقی مشخص از پدیده تروریسم، ارائه تعریف‌های مبتنی بر منافع سیاسی و ملی توسط کشورها، نبود یک مرجع بین‌المللی مشخص برای دستگیری و محاکمه تروریست‌ها، دسترسی تروریست‌ها به مواد شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای و غیر قابل پیش‌بینی و نامشخص بودن طعمه تروریست‌ها موجب شده که کشورها و به ویژه سازمان ملل متحد نتواند اقدام موثری انجام دهد. در رابطه با تروریسم و اقدام شورای امنیت ذکر یک نکته ضروری است. اگرچه شورای امنیت بر اساس ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد وظیفه برقراری و حفظ صلح را بر عهده دارد، اما گاهی خود موجب برهم خوردن نظم و صلح بین‌المللی می‌شود. مانند صدور مجوز حمله آمریکا به افغانستان. با این توضیح که مجوز حمله آمریکا به افغانستان توسط یک نهاد بین‌المللی با عنوان دفاع مشروع صادر شده است، در حالی که گروه تروریستی القاعده حمله را انجام داده بود و بر اساس بند یک قطعنامه تعریف تجاوز نیاز به اقدام فوری، بدون وجود راه حل یا فرصت مذاکره باشد، در حالی که گروه تروریستی القاعده یک گروه مشخص است که آمریکا می‌توانست با توسل به مراجع قانونی بین‌المللی خواستار دستگیری و محاکمه گروه تروریستی شود. بر اساس بند ۳ قطعنامه تعریف تجاوز باید زور اعمال شده متناسب با دفع تجاوز باشد. گروه تروریستی القاعده تنها دو برج از خاک آمریکا را مورد حمله تروریستی قرار داد، در حالی که آمریکا با مجوز شورای امنیت کل خاک کشور افغانستان را مورد حمله قرار داد و موجب کشته شدن شمار زیادی افراد غیرنظامی گردید که این امر خلاف اصول حقوق بشر دوستانه، اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل عدم تجاوز که از اصول مهم حقوق بین‌الملل هستند می‌باشد. ضمن این که کشورهای گوناگون پس از تأسیس

سازمان ملل متحد طعم تروریسم را چشیده‌اند. مانند حمله متجاوزانه عراق به ایران و کشته شدن هزاران غیرنظامی، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و ترور بی‌نظیر بوتو در پاکستان و ترورهای گوناگون در کشورهای مختلف شورای امنیت صرفاً به صدور قطعنامه محکومیت این اعمال اقدام نموده است. متن مقاله نشان از این دارد که یکی از دلایل پیشرفت تروریسم و عدم موفقیت سازمان ملل متحد به دلیل تسلط گروهی از کشورها بر تصمیمات سازمان ملل متحد و به ویژه تصمیمات شورای امنیت است که این امر باید مورد بررسی قرار بگیرد. راه کارهای کنونی توانایی کامل برای مواجهه با تروریسم مدرن و توسعه یافته را ایجاد نمی‌کند. نیاز به طرح راه کارهای جدید است تا بتوان با واقعیات جدید تروریسم بین‌المللی مقابله کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتاب

- ۱- باقری محمود (۱۳۸۸)، حقوق بشردوستانه در سایه مبارزه ایالات متحده علیه تروریسم (پژوهشنامه ۴) پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۲- چامسکی نوام (۱۳۸۷)، ایالات شکست خورده سوءاستفاده از قدرت و حمله به دموکراسی، ترجمه یعقوب نعمتی و روجنی، انتشارات جام جم، چاپ اول، زمستان.
- ۳- سروش نژاد احمد (۱۳۸۷)، دفاع مشروع: تعریف دفاع مشروع و جایگاه حقوقی آن، انتشارات: دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۴- دمارانش کنت (۱۳۸۰)، جنگ جهانی چهارم دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت (رییس سابق سازمان جاسوسی فرانسه) ترجمه سهیلا کیانناژ، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم.
- ۵- کوشا سهیلا (۱۳۸۹)، چالش‌های حقوقی پیشگیرانه و مقابله با تروریسم هسته‌ای، انتشارات: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- غنی کله لو کیوان (۱۳۸۹)، تروریسم هسته‌ای، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

مقالات

- ۱- اسلامی یزدی مریم، سازماند بهاره (۱۳۹۳)، تحولات تروریسم بین‌الملل پس از جنگ سرد و ارزیابی اقدام‌های سازمان ملل متحد برای مقابله با آن، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۵، شماره ۲، تابستان.
- ۲- باباپور مهدی، فرشباف بابک، علیزاده اکبر (۱۳۹۲)، تروریسم هسته‌ای و راه کارهای مقابله با آن از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌الملل پلیس، دوره چهارم زمستان.



- ۳- جویز، کریستوفر سی، ترجمه: محمدرضا مهماندار (۱۳۸۷)، مقابله با تروریسم هسته‌ای یک پاسخ معاهداتی، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، دوره ۲۵، شماره ۳۸.
- ۴- حاتمی مهدی، موسوی سید فضل الله (۱۳۸۹)، بررسی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در پرتو حقوق بین‌الملل، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳ پاییز.
- ۵- خداپرست یونس (۱۳۹۳)، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، آبان.
- ۶- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۱)، جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محور در حال ظهور، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره یک، پاییز.
- ۷- عالی پور حسن، تروریسم هسته‌ای (۱۳۸۵)، فصلنامه مطالعات راهبردی، مقاله ۵، دوره ۹، شماره ۳۳.
- ۸- غالی پطروس پطروس، ترجمه: سید قاسم زمانی (۱۳۸۹)، سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، فصلنامه الهیت و حقوق، شماره ۲.
- ۹- فیرحی داود، ظهیری صمد (۱۳۸۷)، تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳، پاییز.
- ۱۰- قربانی ارسلان، صالحیان تاج‌الدین (۱۳۹۲)، تأثیر سیاست بین‌الملل بر رژیم‌های بین‌المللی با بررسی انتقادی (NPT)، فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست جهانی، دوره دوم، شماره اول بهار.

۱۱- مولایی یوسف (۱۳۷۶)، تحلیل حقوقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر ماده ۴ پیمان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷ تابستان.

۱۲- نمایان پیمان (۱۳۸۹)، چهارچوب جهانی نظام حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته‌ای، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۳، پاییز.

سایت:

۱- امینی نیا عاطفه (۱۳۹۴)، تروریسم، یازده سپتامبر، شورای امنیت. Hablian.ir

۲- قادری کنگاوری روح الله، حق دفاع مشروع در چارچوب مبارزه با تروریسم، hoghoughdan.blogfa.com

3- WWW.UN.ORG

4- WWW.Hawzeh.net

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی